



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

جلوہ بر حقایق

- شہادت عالی حضرت محمد ﷺ یا حضرت خاتم النبیین
- سید الشہداء جعفر و عثمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه های مهدوی در آینه فاطمی: شباهت های حضرت مهدی (عج) با حضرت فاطمه علیهما السلام

نویسنده:

سید محمد جعفر روضاتی

ناشر چاپی:

اعتقاد ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
جلوه های مهدوی در آیین فاطمی: شباهت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت فاطمه عَلَیْهَا السَّلَام	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
فهرست مطالب	۱۲
مقدمه	۱۸
هر دو بزرگوار نور اهل آسمان ها و زمینند	۴۳
۱- نوراتیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا	۴۳
الف) نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا در آسمان ها	۴۳
ب) تجلی نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا برای حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام	۴۶
نکته ای زیبا:	۴۹
ج) نوراتیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا در آیه مبارکه نور	۵۲
۲- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نور اهل زمین هستند	۵۴
هر دو بزرگوار، عالم به علوم الهی هستند	۵۶
اشاره	۵۶
۱- علم حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا	۵۶
۲- علم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	۶۰
هر دو بزرگوار، شفیع مؤمنانند	۶۵
اشاره	۶۵
۱- حضرت زهرا سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا شفیع روز قیامت هستند	۶۵
۲- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، شفیع روز قیامت هستند	۶۸
سخن گفتن حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا در شکم مادر	۷۱
اشاره	۷۱
۱- سخن گفتن حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَیْهَا در شکم مادر	۷۲

- ۲- سخن گفتن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شکم مادر ۷۴
- هر دو بزرگوار مظلوم هستند ۷۶
- اشاره ۷۶
- ۱- مظلومیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا ۷۶
- ۲- مظلومیت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۷۹
- علاقه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَسَبَتْ بِهِ هَر دُو بَزْرگَوَار ۸۳
- ۱- علاقه و محبت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِهِ هَر دُو بَزْرگَوَار ۸۳
- اشاره ۸۳
- الف) عزیزترین انسان ها ۸۴
- ب) محبوب دل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ۸۵
- ج) مایه حیات قلب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ۸۷
- ۲- علاقه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِهِ هَر دُو بَزْرگَوَار ۸۹
- هر دو بزرگوار، سرور جهانیان هستند ۹۳
- ۱- حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا سرور زنان جهان هستند ۹۳
- ۲- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سید و سرور هستند ۹۹
- هر دو بزرگوار پاک و پاکیزه هستند ۱۰۱
- ۱- حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا، طاهره هستند ۱۰۱
- اشاره ۱۰۱
- الف) در آیه تطهیر ۱۰۱
- ب) در روایات ۱۰۳
- ج) در زیارات ۱۰۷
- ۲- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پاک و پاکیزه هستند ۱۰۹
- هر دو بزرگوار محدث هستند ۱۱۲
- ۱- حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا محدثه هستند ۱۱۲
- ۲- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث هستند ۱۲۲
- عنایت هر دو بزرگوار به زوار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ۱۲۶

۱۲۶ اشاره
۱۲۶ ۱_ عنایت حضرت فاطمه سَلَامَ اللهُ عَلَیْهَا به زائران حسینی
۱۳۴ ۲_ عنایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زائران حسینی
۱۳۸ هر دو بزرگوار با هیچ ظالمی بیعت نکردند
۱۳۸ ۱_ بیعت نکردن حضرت فاطمه سَلَامَ اللهُ عَلَیْهَا با غاصبان خلافت
۱۴۲ ۲_ بیعت نکردن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با هیچ ظالمی
۱۴۴ دوری هر دو بزرگوار از مردم و ستمگران
۱۴۴ ۱_ دوری حضرت فاطمه سَلَامَ اللهُ عَلَیْهَا از مردم
۱۴۹ ۲_ دوری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مردم و ستمگران
۱۵۴ هر دو بزرگوار فریادرس هستند
۱۵۴ اشاره
۱۵۴ ۱_ فریادرسی حضرت فاطمه سَلَامَ اللهُ عَلَیْهَا
۱۵۴ اشاره
۱۵۹ یک نمونه از فریادرسی حضرت فاطمه سَلَامَ اللهُ عَلَیْهَا
۱۶۶ ۲_ فریادرسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۶۶ اشاره
۱۶۷ حکایت میر اسحاق استرآبادی
۱۷۰ حکایت ابوالوفای شیرازی
۱۷۲ نجات هندوی غیر مسلمان از حکم اعدام
۱۷۶ منابع و مأخذ
۱۸۲ آثار دیگری از نویسنده
۱۸۵ درباره مرکز

**جلوه های مهدوی در آئینه فاطمی: شباهت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت فاطمه
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ**

مشخصات کتاب

سرشناسه : روضاتی، سیدمحمدجعفر، 1352

عنوان و نام پدیدآور : جلوه های مهدوی در آئینه فاطمی: شباهت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت فاطمه
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ / سیدمحمدجعفر روضاتی

مشخصات نشر : مشهد: اعتقاد ما، 1400

مشخصات ظاهری : 175 ص.

بهاء: 450000 ریال شابک: ISBN 978-622-6062-93-0

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت : عنوان دیگر: شباهت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

یادداشت : کتابنامه: ص. [167]-172؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، 255ق - احادیث

موضوع : محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، 255ق - فضائل.

موضوع : فاطمه زهرا(س)، 8؟ قبل از هجرت _ 11ق. احادیث

موضوع : فاطمه زهرا(س)، 8؟ قبل از هجرت _ 11ق. فضائل.

موضوع : احادیث شیعه _ قرن 14.

رده بندی کنگره : 1400، 8 ج 9 ر / BP 51

رده بندی دیویی : 297 / 959

شماره مدرک : 9216289

ص: 1

اشاره

جلوه های مهدوی در آئینه فاطمی

تألیف: سید محمد جعفر روضاتی

ناشر: اعتقاد ما

چاپ اول: 1400

شمارگان: 500

چاپخانه: اهل بیت علیهم السلام

قیمت: 45000 تومان

شابک: 978-622-6062-93-0

مرکز پخش: 09109671518

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

تقديم به پيشگاه با عظمت يگانه منجى عالم بشرية،

حضرت بقية الله الأعظم

روحي و ارواح العالمين له الفداء

ص: 4

هر دو بزرگوار نور اهل آسمان ها و زمینند. 34

1_ نورانیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا . 34

الف) نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در آسمان ها 34

ب) تجلّی نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا برای حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ 37

نکته ای زیبا: 40

ج) نورانیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در آیه مبارکه نور. 43

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نور اهل زمین هستند. 45

هر دو بزرگوار، عالم به علوم الهی هستند. 47

1_ علم حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا. 47

2_ علم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). 51

هر دو بزرگوار، شفیع مؤمنانند. 56

1_ حضرت زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا شفیع روز قیامت هستند. 56

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، شفیع روز قیامت هستند. 59

سخن گفتن هر دو بزرگوار در شکم مادر. 62

1_ سخن گفتن حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در شکم مادر. 63

2_ سخن گفتن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شکم مادر. 65

هر دو بزرگوار مظلوم هستند. 67

1_ مظلومیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا . 67

2_ مظلومیّت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). 70

علاقه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به هر دو بزرگوار. 74

1_ علاقہ و محبت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا 74

الف) عزیزترین انسان ها 75

ب) محبوب دل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . 76

ج) مایه حیات قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . 78

2_ علاقہ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). 80

هر دو بزرگوار، سرور جهانیان هستند. 84

1_ حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا سرور زنان جهان هستند. 84

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سید و سرور هستند. 90

هر دو بزرگوار پاک و پاکیزه هستند. 92

1_ حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا ، طاهره هستند. 92

الف) در آیه تطهیر. 92

ب) در روایات... 94

ج) در زیارات... 98

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پاک و پاکیزه هستند. 100

هر دو بزرگوار محدث هستند. 103

1_ حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا محدثه هستند. 103

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث هستند. 113

عنایت هر دو بزرگوار به زوار امام حسین علیه اسلام . 117

1_ عنایت حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا به زائران حسینی.. 117

2_ عنایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زائران حسینی .. 125

ص: 6

هر دو بزرگوار با هیچ ظالمی بیعت نکردند. 129

1_ بیعت نکردن حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا با غاصبان خلافت... 129

2_ بیعت نکردن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با هیچ ظالمی.. 133

دوری هر دو بزرگوار از مردم و ستمگران.. 135

1_ دوری حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا از مردم. 135

2_ دوری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مردم و ستمگران.. 140

هر دو بزرگوار فریادرس هستند. 145

1_ فریادرسی حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا . 145

یک نمونه از فریادرسی حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا . 150

2_ فریادرسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). 157

حکایت میر اسحاق استرآبادی.. 158

حکایت ابوالوفای شیرازی.. 161

نجات هندوی غیر مسلمان از حکم اعدام. 163

منابع و مأخذ. 168

آثار دیگری از نویسنده 174

ص: 7

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

خداوند تعالی پس از ارسال آخرین فرستاده اش و انزال آخرین کتاب آسمانی خود، برای هدایت بشر، دوازده امام معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را توسط آخرین پیامبرش معرفی نمود، تا انسان ها با شناخت و معرفت آن ها، و مراجعه به محضر آن بزرگواران، از گمراهی نجات یافته، به سعادت رستگاری نائل شوند، و شکر این بزرگترین نعمت الهی را بجا آورند.

البته مسلمانان در طول تاریخ، این افتخار را پیدا کردند که با یازده نفر از این امامان هدایت، زندگی کرده و از محضر آنها استفاده نمایند. ولی با کمال تأسف از میان آنان، فقط تعداد بسیار کمی قدر این نعمت بزرگ را دانسته و از آن استفاده درست نموده اند، و بقیه مردم با ظلم و دشمنی نسبت به آن

ص: 9

بزرگواران، ناشکری و کفران نعمت کرده، موجبات خشم و غضب خداوند را فراهم نمودند.

لذا پس از شهادت یازدهمین امام معصوم، یعنی حضرت امام حسن عسکری علیه اسلام، مردم از درک نعمت حضور امام، که فضیلت بزرگی از طرف خداوند برای امت اسلام بود، محروم شدند و به خاطر گناهان و معاصی خود، به غضب الهی دچار شدند، یعنی خداوند آخرین حجت خودش، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از دیدگان آن ها مخفی نمود و دوران غیبت کبری آغاز گردید.

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از محمد بن فرج نقل نموده که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در نامه ای به من مرقوم فرمودند:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ.

هنگامی که خدای تبارک و تعالی بر آفریده های خود غضب نماید، ما ائمه را از مجاورت با آنها دور می نماید. (1)

ص: 10

وضعیّت مسلمانان در دوران غیبت، به خاطر دوری از امام معصوم و حجت پروردگار، روز به روز بدتر می شود، تا جایی که بسیاری از شیعیان، اعتقادشان نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از دست می دهند.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از صقر بن ابی ذُلف نقل نموده که گفت: از حضرت ابن الرضا، جواد الائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

همانا امام بعد از من پسر علی است، امر او امر من، و سخن او سخن من، و اطاعت از او اطاعت از من است؛ و امام پس از او پسرش حسن است، امر او امر پدرش، و سخن او سخن پدرش، و اطاعت از او اطاعت از پدرش می باشد.

سپس حضرت سکوت کردند، پس من عرض کردم: ای پسر رسول خدا! پس امام بعد از حسن کیست؟ پس ایشان گریه شدیدی کردند و سپس فرمودند: همانا بعد از حسن پسرش، قائم به حق است، که انتظارش کشیده می شود.

پس من به ایشان عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چرا ایشان «قائم» نامیده شده است؟ حضرت فرمودند:

لأنَّه يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ، وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْفَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ سَمِّيَ الْمُنتَظَرُ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطُولُ أَمْدُهَا، فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ، وَ يُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ، وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِلُونَ، وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ، وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسَدِّعُونَ، وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ.

چون او زمانی قیام می کند که یادش از بین رفته و اکثر معتقدان به امامت او، از عقیده خود برگشته اند.

به ایشان عرض کردم: چرا او را منتظر می گویند؟ فرمودند: زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد می شود و مدتش طولانی گردد پس مخلصان، منتظر قیامش می باشند و شک کنندگان، انکارش می کنند، و منکران، یادش را مسخره می کنند، و تعیین کنندگان وقت ظهورش، دروغ می گویند، و شتاب کنندگان در غیبتش، هلاک می شوند، و تسلیم شوندگان در آن، نجات می یابند. (1)

سختی این مطلب برای انسان زمانی است که بداند در دوران غیبت به نحوی اعتقادش را از دست می دهد که خودش هم متوجه نمی شود، البته

ص: 12

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 30، ح 4 و ص 158، ح 5؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 378، ح 3.

این کار زمان زیادی هم نمی خواهد، بلکه از یک صبح تا به شب برای بی شدن کافی است!

مرحوم نعمانی قدس سره در کتاب الغیبة، روایتی را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده که فرمودند:

ای شیعیان آل محمد علیهم السلام! یقیناً برای پاک شدن، امتحان سختی خواهید داد، مانند پاک شدن سرمه در چشم.

وَإِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي مَتَى يَقَعُ الْكُحْلُ فِي عَيْنِهِ، وَلَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا، وَكَذَلِكَ يُصَبِّحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا، وَيُمْسِي وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا، وَيُمْسِي عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا، وَيُصْبِحُ وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا.

و همانا انسان متوجه می شود که چه موقع سرمه وارد چشمش گردید، ولی نمی داند چه موقع از چشمش خارج شد؛ و اینچنین انسان صبحگاهان اعتقاد به امامت ما دارد، ولی شامگاه از این اعتقاد برمی گردد؛ و نیز شامگاه اعتقاد به امامت ما دارد، ولی هنگام صبح عقیده خود را از دست می دهد. (1)

با دقت در روایت فوق، می بینیم که خطاب حضرت باقر علیه السلام به همه شیعیان است، یعنی اگر این اخطار، شامل پیروان ائمه علیهم السلام در زمان حضور

ص: 13

بشود، پس وای به حال شیعیانی که در زمان غیبت بسر می برند، که واقعاً دینداری و حفظ اعتقادات برایشان بسیار دشوار است.

به همین جهت، ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ در باره حفظ دین و اعتقادات در زمان غیبت، دستورات و سفارشات اکیدی را بیان فرموده اند.

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از حضرت موسی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) نقل نموده که فرمودند:

إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ، فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ.

هنگامی که پنجمین فرزند از هفتمین امام، غایب گردید، پس خدا را خدا را در دینتان مراقب باشید، تا مبادا کسی آن را از شما بگیرد. (1)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل نموده که آن حضرت برای نجات از شبهه های آخرالزمان، همه شیعیان را به خواندن دعای غریق سفارش می فرمایند، پس وقتی از ایشان سؤال می شود که دعای غریق چیست؟ می فرمایند:

ص: 14

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

ای خدا! ای بخشنده! ای مهربان! ای گرداننده دلها، دلم را بر دینت ثابت مدار. (1)

البته حفظ اعتقادات و دینداری در زمان غیبت کار ساده ای نیست و کسی که می خواهد در این دوران، معتقد به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقی بماند، باید هم مراقبت داشته باشد و هم مقاومت.

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از یمان تمار نقل نموده که گفت: در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمودند:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً أَلْتَمَسْتُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ، ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا بِيَدِهِ، فَأَيُّكُمْ يُمَسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ؟ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.

همانا برای صاحب این امر غیبتی است که در آن زمان کسی که دین خودش را حفظ نماید مانند کسی است که شاخه پر از خار درخت قتاد را با دست بتراند. سپس فرمودند: اینچنین و با اشاره

ص: 15

دستشان نشان دادند، پس کدام یک از شما می تواند تیغ درخت قتاد را با دستش نگهدارد؟!

سپس لحظه ای سر به زیر انداختند و بعد فرمودند: همانا صاحب این امر را غیبتی است، پس هر بنده ای باید تقوای الهی پیشه نماید و دین خودش را نگهدارد. (1)

ولی در بیان ائمه اطهار علیهم السلام، شیعیانی که در دوران غیبت با همه این مشکلات و سختی ها، ایمان و اعتقادشان را از دست نداده و ثابت قدم بماند، بهترین و بافضیلت ترین افراد امت اسلام می باشند.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به ایشان فرمودند:

يَا عَلِيُّ! وَاعْلَمْ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَحَجَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ، فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ.

ای علی! بدان که عجیب ترین مردم از جهت ایمان و بزرگترین آنها از جهت ایمان و یقین، مردمی هستند که در آخر الزمان خواهند

ص: 16

آمد، آن ها پیامبر را ندیده اند و از دیدن حجت خدا نیز، محجوب و محروم مانده اند، ولی به سیاهی روی سپیدی ایمان آورده اند. (1)

ظاهراً کنایه «سیاهی روی سپیدی»، به احادیث اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اشاره دارد، که از صدر اسلام توسط راویان حدیث، بر روی اوراق نوشته شده و ایمان مردم در زمان غیبت، با اتکا بر همین نوشته ها می باشد.

و آنقدر این مؤمنان در زمان غیبت، ارزش پیدا می کنند که گاهی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن ها را، به عنوان برادران خود، معرفی می فرمایند.

مرحوم صفار قدس سره در کتاب بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، روایتی را از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل نموده که فرمودند: روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در جمع اصحابشان چنین دعا نمودند:

اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي، مَرَّتَيْنِ.

خداوندا! برادرانم را به دیدار من برسان، و این دعا را دو بار تکرار کردند.

اصحابی که گرد آن حضرت بودند، گفتند: ای رسول خدا! مگر ما برادران شما نیستیم؟ حضرت فرمودند:

ص: 17

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 125، ح 12؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 288، ح 8.

لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَ لَمْ يَرُونِي، لَقَدْ عَرَفْتَهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ دِينِهِ مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ

عَلَى جَمْرِ الْعَصَا، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ.

نه، شما اصحاب من هستید، و برادران من مردمی هستید در آخرالزمان که به من ایمان می آورند با اینکه مرا ندیده اند، خداوند آنها را با نامهایشان و نامهای پدرانشان به من معرفی کرده است، پیش از آنکه آن ها را، از صُلب پدران و رَحِمِ مادرانشان خارج نماید.

ثابت قدم بودن هر یک از آنها در دین خود، از تراشیدن خارهای درخت قَتَاد با دست در تاریکی شب، سخت تر است، یا مانند کسی است که آتش درخت «عَصَا»⁽¹⁾ را با دست گرفته باشد. آن ها چراغهای روشن کننده در تاریکی هستند که خداوند ایشان را از هر فتنه تیره و تاری نجات می دهد.⁽²⁾

ص: 18

1- «عَصَا» نام درختی است که چوب آن مدّت زیادی آتش و حرارت را در خود حفظ نگه می دارد، به همین جهت زغال بسیار خوبی دارد.

2- بحار الأنوار، ج 52، ص 123، ح 8؛ بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، ج 1، ص 84، ح 4.

گاهی در بیان حضرت امام زین العابدین علیه اسلام، اجر و پاداش آنان برابر با اجر هزار شهید بدر و احد می باشد.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از عمرو بن ثابت نقل نموده که گفت: حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ.

کسی که در غیبت قائم ما بر ولایت و محبت ما ثابت قدم باشد، خداوند عزوجل اجر و پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می فرماید. (1)

و در نهایت، حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام)، آنان را در روز قیامت، همنشین با محمد و آل محمد علیهم السلام، معرفی می فرماید.

مرحوم خزاز رازی قدس سره در کتاب کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، روایتی را از یونس بن عبد الرحمن نقل نموده که گفت: بر حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) وارد شدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟

ص: 19

حضرت فرمودند: من قیام کننده به حق هستم ولی آن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک می کند و آن را پر از عدل و داد می سازد همان طوری که پر از ظلم

و جور شده باشد، او پنجمین از فرزندان من است، او به خاطر حفظ جانش غیبتی می کند که مدت آن طولانی می شود به طوری که بسیاری از مردم مرتد می شوند و عدّه ای دیگر ثابت قدم می مانند.

سپس فرمودند:

طُوبَى لَشِيعَتِنَا، الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَى مَوْلَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ، قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً فَرَضَ بَيْنَا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ، هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خوشا بر احوال شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چنگ زده و بر دوستی و محبت ما و بی زاری از دشمنان ما، ثابت قدم می مانند، آنها از ما و ما از آنها هستیم، آنها ما را به امامت و ما نیز آنان را به عنوان شیعیان پذیرفته ایم، پس خوشا بر احوال آنها، و خوشا بر احوال آنها، به خدا سوگند! آنان در روز قیامت در درجه ما خواهند بود. (1)

ص: 20

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 151، ح 6؛ كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 269.

بنا بر این بر همه شیعیان و محبّان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ لازم است تا با مراقبت و انجام تکالیفی در عصر غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در حفظ دین و ایمانشان بکوشند.

خداوند تبارک و تعالی در آخرین آیه سوره مبارکه آل عمران، می فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر پیشه کنید و دیگران را نیز به صبر و استقامت دعوت نمایید، و با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خداوند پروا نمایید، تا رستگار شوید. (1)

از این کریمه می توانیم به عنوان منشور اخلاقی منتظران ظهور در دوران غیبت نام ببریم، که در آن، خدای متعال به تمام مؤمنانی که طالب رسیدن به سعادت و رستگاری هستند، چهار دستور اخلاقی داده است:

1_ دستور به صبر و شکیبایی

2_ دستور به دعوت یکدیگر به صبر و بردباری

3_ دستور به مرابطه

ص: 21

1- _ سوره آل عمران، آیه 200.

گرچه تمام این چهار مورد جزء وظائف منتظران در این دوران می باشد، ولی فعلاً آنچه که مورد بحث ماست، سومین دستور، یعنی مرابطه است.

مرابطه یعنی: مواظبت، محافظت، مراقبت

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که ایشان در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

«اصبروا»، عَلَى الْفَرَائِضِ، وَ «صابرُوا»، عَلَى الْمَصَائِبِ، وَ «رابطُوا»، عَلَى الْأَيَّامَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

بر انجام واجبات صبر کنید، و در مصیبت ها یکدیگر را به صبر و شکیبایی دعوت کنید، و پیوند و ارتباط خود را با ائمه علیهم السلام برقرار نمایید. (1)

مرحوم نعمانی قدس سره در کتاب الغیبه، روایتی را از برید بن معاویه نقل نموده که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

«اصبروا»، عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ، وَ «صابرُوا»، عَدْوَكُمْ، وَ «رابطُوا»، إِمَامَكُمْ الْمُنتَظَرِ.

ص: 22

بر انجام واجبات صبر کنید و در مقابل دشمنانتان پایداری نمایید و با امامتان که انتظارش کشیده می شود، ارتباط داشته باشید. (1)

از بررسی این روایات نتیجه می گیریم که یکی از وظائف شیعیان و منتظران ظهور، این است که باید برای حفظ دین و ایمان و اعتقاداتشان، با روشهای مختلف، ارتباطشان را با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برقرار نمایند.

لازمه این ارتباط ذکر و یاد آن حضرت است، که انسان هر چه بیشتر به یاد ایشان باشد، رشته ارتباطش با آن حضرت محکم تر می شود.

تحقق این مطلب گاهی با برپایی، برگزاری و شرکت در جلساتی است که در آن ها ذکر فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام، خصوصاً امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان می شود، که یقیناً این جلسات مورد توجه آن حضرت می باشد.

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب الأمالی، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که ایشان به داوود بن سرحان فرمودند: ای داوود! سلام مرا به دوستانم برسان، و به آن ها ابلاغ کن که من گفته ام:

ص: 23

1- تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص 133؛ الغيبة (للنعماني)، ص 27 و ص 199، ح 13.

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَتَذَاكَرَا أَمْرَنَا، فَإِنَّ تَالِيَهُمَا مَلِكٌ يَسَّ تَغْفِرُ لَهُمَا، وَ مَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَيَّ ذِكْرِنَا إِلَّا بَاهَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ، فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاسْتَغْلُوا بِالذِّكْرِ، فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَ مَذَاكِرَتِكُمْ إِحْيَاؤُنَا، وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَى ذِكْرِنَا.

خداوند رحمت کند بنده ای را که وقتی با یک نفر دیگر اجتماع می کند، درباره ولایت ما گفتگو می کند، در این صورت نفر سوم آنها فرشته ای است که برای آنها طلب آمرزش و مغفرت می کند، و هیچ دو نفری با هم برای یاد کردن ما اجتماع نمی کنند، مگر اینکه خدای تعالی به آن دو، بر فرشتگان مباحثات می کند.

پس هرگاه در مجلسی اجتماع کردید، به «یاد ما» پردازید، زیرا این اجتماع شما و یاد کردن شما، زنده کردن ماست، و بهترین مردم بعد از ما، کسانی هستند که درباره امر ما مذاکره کرده و مردم را به ذکر و یاد ما دعوت نمایند. [\(1\)](#)

ص: 24

1- _ الأُمالي (للطوسي)، ص 224، مجلس 8، ح 40؛ بحار الأنوار، ج 1، ص 200، ح 8 و ج 71، ص 354، ح 31؛ بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ج 2، ص 110.

و این امر آن قدر اهمیت دارد که اگر مجلسی تشکیل شود و در آن، از روی غفلت و بی توجهی، ذکر و یادی از ائمه اطهار علیهم السلام نشود، این مجلس در روز قیامت برای حاضرین در آن، باعث حسرت می گردد.

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از ابوبصیر نقل نموده که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَذْكُرُونَا، إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هر مجلسی که تشکیل شود و در آن یاد خدای عزوجل و یاد ما (اهل بیت) نباشد، آن مجلس برای اهلش در روز قیامت باعث حسرت می شود. (1)

مرحوم عبدالله بن جعفر حمیری قمی در کتاب قرب الأسناد، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که ایشان به فضیل فرمودند: آیا با هم می نشینید و برای هم حدیث می گوید؟ عرض کردم: بله، فدایتان شوم! حضرت فرمودند:

ص: 25

إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا.

يَا فَضِيلُ! مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.

همانا من این گونه مجالس را دوست دارم، پس ای فضیل! امر ما را زنده نگه دارید، که خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده نگه می دارد.

ای فضیل! هر کس که ما را یاد کند، یا نزد او از ما یاد شود، پس از چشمش به اندازه بال مگسی اشک خارج شود، خداوند گناهان او را می بخشد، اگر چه بیشتر از کف دریا باشد. (1)

پس تا اینجا مشخص شد که یکی از راه های ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرکت در جلساتی است که در آن، ذکر و یاد آن حضرت گفته می شود، و تشکیل این جلسات، مصداق احیای امر ائمه اطهار علیهم السلام می باشد و دعای آن بزرگواران شامل حال شرکت کنندگان در آن مجالس شده، گناهانشان نیز آمرزیده شده و در نهایت اهل فلاح و رستگاری می شوند.

ص: 26

1- بحار الأنوار، ج 44، ص 282، ح 15 و ج 71، ص 351، ح 18؛ قرب الإسناد، ص 36، ح 117.

اما یکی دیگر از راه های تحقیق این مطلب، نشر علوم و معارف ائمه اطهار علیهم السلام، از طریق نوشتن کتاب می باشد.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب عیون اخبار الرضا علیه اسلام، روایتی را از عبد السلام بن صالح هروی نقل

نموده که گفت: از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: خداوند رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده بدارد، به آن حضرت عرض کردم: چگونه باید امر شما را زنده بدارد؟

حضرت فرمودند:

يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.

علوم ما را بیاموزد و به مردم آموزش بدهد، پس اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می کنند. (1)

با توجه به مطالبی که گذشت، بنده حقیر در فکر موضوع سخن در ایام فاطمیه دوم بودم، که برای مردم در باره چه موضوعی صحبت نمایم؟ هم ایام شهادت مادرمان حضرت فاطمه سآلام الله علیها بود و هم وظیفه دارم که اذهان مردم را با معارف مهدویت آشنا نمایم. لذا با بررسی روایات معصومین علیهم السلام و

ص: 27

1- بحار الأنوار، ج 2، ص 30، ح 13؛ عیون أخبار الرضا علیه اسلام، ج 1، ص 307، ح 69.

جمع بین این دو مطلب، بر آن شدم که شباهت های بین حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با مادرشان حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا را دسته بندی نموده و در منابع مختلف بیان نمایم. لذا پس از آن ایام، تصمیم گرفتم که این مطالب را به رشته تحریر درآورم و منتشر نمایم، تا اولاً مصداق یاد و ذکر آن بزرگواران باشد و ثانیاً منتظران ظهور، با مطالعه این کتاب، شناخت و معرفت، انس و محبت و مراقبت و ارتباطشان با حجت خدا بیشتر شده، و در این دوران سخت غیبت، وسیله ای برای حفظ دین و اعتقادات، بشود.

در پایان از خداوند متّان سپاسگزارم که به این بنده حقیر، توفیق نگارش این سطور را عنایت فرمود، تا این مطالب را در قالب کتابی با عنوان «جلو های مهدوی در آئینه فاطمی» به چاپ برسانم.

امید است که این اثر ولائی، مورد قبول حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء قرار گیرد و چراغ راهی برای همه جوانانمان و توشه ای برای آخرتمان گردد.

اینک دست نیاز به درگاه بی نیاز برداشته و از او، ظهور موفور السّرور امام زمانمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را طلب می نمایم و عرضه می داریم:

اللَّهُمَّ وَلَا تَسُدُّ بُنَا الْيَقِينِ لَطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ، وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا، وَلَا تُسِدِّ نَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَ الْإِيْمَانَ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالدَّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُقَنِّطَنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ.

خداوند! به خاطر طولانی شدن زمان غیبت آن حضرت و بی خبر بودن ما از ایشان، یقین را از ما سلب مفرما، و یاد او، و انتظار او، و ایمان به او، و قوت یقین به ظهورش، و دعا کردن در حق او، و درود فرستادن بر او را از یاد ما مبر، تا طولانی شدن غیبت او، ما را از ظهور و قیامت ناامید نکند. (1)

اول رجب 1443 هجری قمری

قم مقدسه _ سید محمد جعفر روضاتی

ص: 29

1- _ قسمتی از دعای «اللهم عرفني نفسك»، بحار الأنوار، ج 53، ص 188، ح 18؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 513، ح 43.



السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ وَعَلَى آبَائِهِ وَاللَّعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِ رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ سَهْلًا عَلَيْنَا يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

وقتی به این سخن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در باره مادرشان حضرت فاطمه سلام الله علیها توجه می کنیم که فرمودند:

وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.

در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای من الگوی زیبایی می باشد. (1)

و همچنین با بررسی آیات، روایات و تشریفات، به دست می آید که ارتباطی، بسیار نزدیک بین این دو بزرگوار وجود دارد که باعث تشکیل وجوه شباهتی بین آن ها می گردد و ما به فضل خداوند، و با بضاعتی که داشتیم، به نقل این وجوه می پردازیم.

ص: 33

1_ نورانیت حضرت فاطمه سلام الله علیها

الف) نور حضرت فاطمه سلام الله علیها در آسمان ها

مرحوم شیخ صدوق قدس سره هم در کتاب الإمامة و التبصرة من الحيرة و هم در کتاب علل الشرائع، روایتی را از جابر جعفی نقل نموده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: چرا حضرت فاطمه سلام الله علیها، زهرا نامیده شده است؟

حضرت فرمودند: زیرا خداوند عزوجل او را از نور با عظمت خود آفرید، و هنگامی که نورش درخشان شد، آسمان ها و زمین به نور او روشن شدند و چشمان ملائکه خیره شد، پس برای خدا به سجده افتادند و گفتند: ای خدای ما! و ای آقای ما! این چه نوری است؟

پس خداوند به آن ها وحی فرمود:

هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي، وَ أَسَدٌ كُنْتُ فِي سَمَائِي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظْمَتِي، أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِي، أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَخْرَجْتُهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي، يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي، وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي.

این نور، شعبه ای از نور من است، که در آسمانم ساکنش کردم، آن را از عظمت خویش آفریده ام، آن را از صلب پیامبری از پیامبرانم که او را برتمام پیامبران برتری داده ام، خارج می نمایم، و از این نور، پیشوایان و امامانی بیرون می آورم که به امر من قیام می کنند و مردم را به سوی من هدایت می نمایند، و این پیشوایان را پس از انقطاع وحی، جانشینان خود بر روی زمین، قرار می دهم. (1)

مرحوم ابن شاذان قمی در کتاب الفضائل، روایتی را از جناب ابن مسعود نقل نموده که در بخشی از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:

ثُمَّ أَظْلَمَتِ الْمَشَارِقُ وَالْمَغَارِبُ، فَدَعَتْ الْمَلَائِكَةَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُكْشِفَ عَنْهُمْ تِلْكَ الظُّلْمَةَ، فَتَكَلَّمَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ كَلِمَةً، فَخَلَقَ مِنْهَا رُوحًا، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ، فَخَلَقَ مِنْ تِلْكَ الْكَلِمَةِ نُورًا، فَأَضَافَ النُّورَ إِلَى تِلْكَ الرُّوحِ وَأَقَامَهَا مَقَامَ الْعَرْشِ، فَزَهَرَتِ الْمَشَارِقُ وَالْمَغَارِبُ، فَهِيَ فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ، وَلِذَلِكَ سُمِّيَتِ الرَّهْرَاءُ، لِأَنَّ نُورَهَا زَهَرَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ.

سپس از مشرق تا مغرب را تاریکی و ظلمت فرا گرفت، پس ملائکه به خداوند التماس کردند که این تاریکی را از بین ببرد و

ص: 35

1- الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص 133، ح 144؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 12، ح 5؛ علل الشرائع، ج 1، ص 180، باب 143، ح 1.

روشنائی را به آنها بازگرداند. پس خداوند بلند مرتبه کلمه ای گفت و روحی از آن به وجود آورد، سپس کلمه ای دیگر گفت و این بار از آن نوری پدید آورد. آن نور را به

روح اضافه کرد و آن را به جای عرش الهی نهاد و بعد از آن بود که از مشرق تا مغرب نورانی شدند، و آن نور، فاطمه زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا بود و به همین خاطر است که «زهراء» لقب گرفته است، چرا که نور او آسمانها را نورانی کرد. (1)

مرحوم طبری آملی در کتاب دلائل الإمامة روایتی را از حضرت امام جعفر صادق عَلِيهِ السَّلَامُ نقل نموده که وقتی از آن حضرت سؤال شد که چرا حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا ، «زهرا» نام گذاری شده اند، فرمودند:

لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا، يَزْهَرُ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ، كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.

برای اینکه هر گاه حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در محل عبادتشان می ایستادند و به عبادت مشغول می شدند، نور ایشان برای اهل آسمان می درخشید، همان طور که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد. (2)

ص: 36

1- بحار الأنوار، ج 40، ص 44، ح 81؛ الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص 129.

2- دلائل الإمامة، ص 149، ح 59.

پس طبق این احادیث، خداوند به واسطه نور آن حضرت، آسمانها را روشن نموده است.

تو بدری و خورشید تو را بنده شده ست*** تا بنده تو شده ست تا بنده شده ست

زان روی که از شعاع نور رخ تو*** خورشید منیر و ماه تابنده شده ست

ب) تجلی نور حضرت فاطمه سلام الله علیها برای حضرت علی علیه السلام

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب علل الشرائع، روایتی را از جناب ابان بن تغلب نقل نموده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: چرا حضرت فاطمه سلام الله علیها را «زهرا» نامیدند؟ حضرت فرمودند:

برای اینکه نور حضرت فاطمه سلام الله علیها روزی سه مرتبه برای امیر المؤمنین علی علیه السلام جلوه می کرد، نور آن حضرت در وقت نماز صبح در حالی که مردم مدینه در خواب بودند، چنان می درخشید که سفیدی آن داخل خانه های شهر مدینه می گردید و فضای خانه ها را روشن می نمود، پس آنان از این نور تعجب می کردند و به سوی رسول

خدا صَ لِيَّ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می شتافتند تا در باره منشأ آن نور سؤال کنند، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آنها را به سوی خانه حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا می فرستادند،

فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرُونَهَا قَاعِدَةً فِي مِحْرَابِهَا تُصَلِّيُ وَالتُّورُ يَسْطَعُ مِنْ مِحْرَابِهَا مِنْ وَجْهِهَا، فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا .

پس هنگامی که آنان به سوی خانه ایشان می آمدند، می دیدند که حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا در محراب عبادت خویش ایستاده و نوری از محراب ایشان ساطع می شود، آنگاه در می یافتند که آن نور، همان نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا می باشد.

پس هنگامی که ظهر فرا می رسید و حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا آماده برای نماز می شدند، نور زردی از چهره ایشان ساطع می گردید و داخل خانه های اهل مدینه می شد، به طوری که در و دیوار خانه ها، و لباسها و رنگ هایشان همه زرد می گردید، پس نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می آمدند و از آن نور می پرسیدند، پس ایشان آن ها را به سوب خانه حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا می فرستادند.

فَيَرُونَهَا قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا وَقَدْ زَهَرَ نُورُ وَجْهِهَا سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا .

پس آنان می دیدند که آن حضرت در محراب عبادت شان ایستاده اند و این نور، از سیمای ایشان ساطع می گردد.

و هنگامی که روز به پایان می رسید و خورشید غروب می کرد نور صورت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا به سرخی می گرایید پس سیمای ایشان با رنگ سرخ می درخشید، و آن حضرت از این امر خوشحال می شدند و شکر خدای عزوجل را به جا می آوردند، و این نور قرمز، داخل خانه های شهر می گردید و همه جا را سرخ می کرد، پس مردم، از این امر تعجب می کردند پس دوباره خدمت پیامبر صَلَّی اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ می آمدند و عِلَّت را جويا می شدند، و باز هم آن حضرت، مردم را به سوی خانه حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا می فرستادند.

فَيَرَوْنَهَا جَالِسَةً تُسَبِّحُ اللّٰهَ وَ تُمَجِّدُهُ وَ نُورٌ وَجْهَهَا يَزْهَرُ بِالْحُمْرَةِ، فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهِ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا .

پس آنها می دیدند که حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در محراب عبادت شان نشسته اند و به تسبیح و تمجید خدای متعال مشغولند، و نور قرمزی از چهره ایشان ساطع می گردد، پس می فهمیدند که منشأ آن نور، از سیمای حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا می باشد.

پیوسته آن نور قرمز در سیمای آن حضرت بود، تا زمانی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از ایشان متولد گردیدند، و پس از آن، این نور به سیمای

ما منتقل گردید و تا روز قیامت در نزد ما اهل بیت خواهد بود، و از امامی به امام دیگر، منتقل می گردد. (1)

فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه***چشم دل از نظاره در مبدأ و منتهی کند

مطلع نور ایزدی مبدأ فیض سرمدی***جلوه او حکایت از خاتم انبیا کند

نکته ای زیبا:

آیا جلوه گری و نورانیت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا برای ملائکه در آسمان ها مهم تر است، یا تجلّی نور آن حضرت، برای حضرت علی علیه اسلام؟

اگر در زیارت های حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دَقَّتْ کنیم به دو عبارت خاصّ برخورد می کنیم که این دو عبارت، ما را در جواب این سؤال کمک می نماید:

مرحوم علامه مجلسی قدس سره زیارت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز مولود رسول خدا صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (17 ربیع الاول)، را از کتاب اقبال الاعمال مرحوم سید بن

ص: 40

1- بحار الأنوار، ج 43، ص 11، ح 2؛ علل الشرائع، ج 1، ص 180، ح 2.

طاووس قدس سره و المزار الكبير مرحوم ابن مشهدي قدس سره، نقل نموده که در فرازی از آن می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ، وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ.

سلام بر نور درخشان خدا و تابش روشنایی و درخشندگی آن. (1)

و باز ایشان در همان کتاب شریف، زیارت دیگر حضرت علی علیه اسلام (زیارت ششم حضرت امیر علیه اسلام) را از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل نموده که در فرازی از آن می خوانیم:

ص: 41

1- _ إقبال الأعمال، ج 2، ص 610؛ بحار الأنوار، ج 97، ص 375، ح 9؛ المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص 210، ح 3؛ مفاتيح الجنان، باب زیارات، زیارت امیرالمؤمنین در روز مولود.

السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ وَ سَلِيلِ الْأَطْهَارِ وَ عَنَّا صِرِ الْأَخْيَارِ.

سلام بر نور نورها و زاده پاکان و منشأ نیکان. (1)

و باز در فرازی از زیارت دیگر آن حضرت، که مرحوم ابن مهدی قدس سره در کتاب المزار الکبیر نقل نموده، می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ، وَ مَحَلَّ سِرِّ الْأَسْرَارِ، وَ عُنْصَرَ الْأَبْرَارِ، وَ مُعَلِّنَ الْأَخْيَارِ.

سلام بر تو ای نور نورها، و ای جایگاه راز اسرار، و ای منشأ نیکی ها، و ای اعلام کننده برگزیدگان. (2)

اینک با توجه به روایات بخش قبلی که خداوند به نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا آسمان ها را روشن نموده، و این عبارات اخیر که نقل شد، نتیجه می گیریم که جلوه گری نور حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا برای حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از اهمیت بیشتری برخوردار است.

زیرا اگر در جایی که تاریک است و هیچ نوری نیست، یک شمع روشن کنیم، نور آن جلوه گری می نماید، ولی در مقابل نور خورشید، نور شمع هیچ جلوه ای ندارد.

حال شما قدری به عظمت نورانیت حضرت فاطمه عَلَيْهِ السَّلَامُ پی ببرید، که چگونه نور ایشان برای شخصیتی مثل امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که خود نور الله الانور و نور الانوار می باشند، جلوه گری می نماید. (العظمة لله)

نور زهرا ابتدائاً خلق عالم کرده است***عاقبت هم نور او روزی قیامت می کند

ص: 42

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 306، ح 23؛ المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص 218، ح 5؛ مفاتیح الجنان، باب زیارات، زیارت ششم حضرت امیر علیه اسلام .

2- بحار الأنوار، ج 97، ص 348، ح 35؛ المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص 305، ح 15.

محو نورانیت او می شود هفت آسمان***ساعتی که بین محرابش عبادت می کند

ج) نورانیت حضرت فاطمه سلام الله علیها در آیه مبارکه نور

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از صالح بن سهل همدانی نقل نموده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه نور فرمودند:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثَّةٍ كَاةٍ»، فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا، «فِيهَا مِصْبَاحٌ»، الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ»، الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا. (الحديث)

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثَّةٍ كَاةٍ»، مقصود از مشکات، حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا هستند، و «فِيهَا مِصْبَاحٌ»، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند و «الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ»، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می باشند، و «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا

ص: 43

هستند که در بین تمام زنان دنیا، مثل ستاره ای درخشان می درخشند. (1)

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار روایتی را از جناب علی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) نقل نموده که گفت: از حضرت ابا الحسن موسی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) در باره آیه نور پرسیدم، ایشان فرمودند:

الْمِسْكَاةُ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا، وَالْمِصْبَاحُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، وَ «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، قَالَ: كَأَنَّ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا كَوْكَبًا دُرِّيًّا مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. (الحديث)

مشکات (چراغدان) حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا هستند و مصباح (چراغ) امام حسن و امام حسین (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) می باشند، و منظور از: «الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»، حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا هستند که در بین تمام زنان جهان، مثل ستاره ای درخشان، می درخشند. (2)

اوصاف تو از ابتدا تا انتها نور***آئینه ای، آئینه ای سرتا به پا نور

آئینه ای و خلق، حیران صفات***تاییده بر جان تو از ذات خدا نور

ص: 44

1- _ الکافی، ج 1، ص 195، ح 5.

2- _ بحار الأنوار، ج 23، ص 316، ح 23 و ج 36، ص 363.

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نور اهل زمین هستند

مرحوم علی بن ابراهیم قمی قدس سره روایتی را از مفضل بن عمر نقل نموده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که درباره این سخن خداوند: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (1)، فرمودند:

رَبُّ الْأَرْضِ إِمَامُ الْأَرْضِ، قُلْتُ: فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: إِذَا يَسْتَعْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ، وَيَجْتَرِءُونَ بِنُورِ الْإِمَامِ.

رب الارض یعنی امام زمین؛ مفضل می گوید: عرض کردم: پس وقتی امام خروج کند چه می شود؟ فرمودند: مردم از نور خورشید و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور امام علیه السلام اکتفا می کنند. (2)

انبیاء معتکفودی طورم هستند*** اولیاء منتظرروز ظهورم هستند

سینه ها منتظر شوق و سرورم هستند*** همه ذرات جهان عاشق نورم هستند

دلیل این مطلب، روایتی است که باز خود مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

ص: 45

1- _سوره زمر، آیه 69.

2- _بحار الأنوار، ج 7، ص 326، باب 17، ح 1؛ تفسیر القمی، ج 2، ص 253.

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»، وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ.

یعنی هنگامی که قائم ما علیه السّلام قیام می کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و تاریکی و ظلمت به طور کلی از بین می رود. (1)

سحر نوید دهد صبح نور نزدیک است *** زمان غم به سر آمد سرور نزدیک است

به کوهسار عدم تیره گی گریزان است *** طلوع تازه خورشید نور نزدیک است

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار زیارتی را از کتاب المزار مرحوم شهید اول، نقل نموده که هنگامی که در حرم امامین عسکریین (علیهما السّلام)

قصد زیارت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را داشتی، قبل از ورود به سرداب مقدّس آن حضرت، این زیارت را بخوان، که در اینجا به فرازی از آن اشاره می نمایم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْفَى.

ص: 46

1- _ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2، ص 381؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 337، ذیل ح 77.

سلام بر تو ای نور خداوندی که هرگز خاموش نخواهد شد، سلام بر تو ای حجت‌خدایی که هرگز مخفی نخواهد شد. (1)

با صد هزار دیده در بحر نور باشم*** روی تو گر نبینم بهتر که کور باشم

ای مهر عالم افروز تا چند بی تو هر روز*** در پرده های ظلمت جویای نور باشم

هر دو بزرگوار، عالم به علوم الهی هستند

اشاره

1_ علم حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا

وقتی صحبت از علم می شود، آن را به دو قسمت تقسیم می کنند، یکی اکتسابی و دیگری لدنی، که البته در اینجا مقصود ما از علم، علم لدنی است و آن علمی است که متصل به ذات پروردگار است و از ناحیه او به بعضی افاضه می شود، و این علم محدود به زمان و مکان خاصی نیست، بلکه تمام اعصار و زمانها و مکانها را در بر می گیرد و تا برپایی قیامت ادامه خواهد داشت، و علم و دانش حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا از این سنخ است.

ص: 47

1- بحار الأنوار، ج 99، ص 98 و ص 117؛ المزار (لشهادت الاول)، ص 204.

حسین بن عبد الوهاب در کتاب عیون المعجزات، روایتی را از جناب سلمان علیه اسلام نقل نموده که گفت: عمّار بن یاسر به من گفت: آیا می خواهی چیز عجیبی را برایت نقل کنم؟

گفتم: تعریف کن، ای عمّار! او گفت: آری، من شاهد بودم که روزی حضرت علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ بر حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا وارد شدند، پس هنگامی که نگاه ایشان به حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ افتاد، فرمودند: نزدیک بیا تا تو را از آنچه که در گذشته بوده و آنچه که در حال به وقوع پیوستن است و آنچه که رخ نداده و تا روز قیامت، هنگامی که محشر برپا شود، اتّفاق خواهد افتاد، خبر دهم.

عمّار گفت: پس دیدم که حضرت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ عقب عقب برگشتند، پس من هم به دنبال ایشان برگشتم، تا اینکه به حضور پیامبر صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رفتیم، پس پیامبر صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمودند: ای ابا الحسن! نزدیک بیا، پس حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نزد آن حضرت رفتند و پس از اینکه در کنار ایشان نشستند و آرام گرفتند، پیامبر صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمودند:

اینک تو می گویی یا من بگویم؟ حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ عرض کردند: ای رسول خدا! شما بفرمایید زیباتر است.

پس حضرت فرمودند: گویا تو بر فاطمه وارد شده ای و او به تو چنین و چنان گفته است و تو نزد من آمده ای تا در باره آن جو یا شوی. علی عَلِيهِ السَّلَامُ پرسیدند: آیا نور فاطمه از نور ما می باشد؟

پیامبر صَدِّ لِي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند: مگر نمی دانی؟ (البته که چنین است)، پس حضرت علی علیه اسلام، خدای متعال را سجده شکر نمودند.

عمار گفت: سپس امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ از آنجا خارج شدند و من نیز با ایشان خارج شدم، و ایشان بر حضرت فاطمه سَلَامُ اللّٰهُ عَلَيْهَا وارد شدند و من نیز با آن حضرت وارد شدم، پس حضرت فاطمه سَلَامُ اللّٰهُ عَلَيْهَا به ایشان فرمودند: گویا نزد پدرم رفته بودید تا آنچه را که به شما گفته بودم برای ایشان نقل کنید؟ حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: این چنین است، ای فاطمه!

حضرت فاطمه سَلَامُ اللّٰهُ عَلَيْهَا فرمودند:

يَا أَبَا الْحَسَنِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ نُورِي وَ كَانَ يُسَبِّحُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ، ثُمَّ أُوذِعَهُ شَجْرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ، فَأَضَاءَتْ، فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي الْجَنَّةَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِلْهَامًا أَنْ افْتِطِفِ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَدْرِهَا فِي لَهَوَاتِكَ، فَفَعَلَ، فَأُوذِعَنِي اللَّهُ سِدِّ بِحَانِهِ صَدِّ لِي أَبِي صَدِّ لِي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ثُمَّ أُوذِعَنِي خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ، فَوَضَعْتَنِي وَ أَنَا مِنْ ذَلِكَ الثُّورِ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ، يَا أَبَا الْحَسَنِ! الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللّٰهِ تَعَالَى.

ای ابا الحسن! بدان که خدای تعالی نور مرا آفرید و او مشغول تسبیح خداوند عزوجل گردید، سپس آن نور را در یکی از درختان بهشت قرار داد، و آن درخت نورافشانی نمود، و هنگامی که پدرم (در شب معراج) داخل بهشت شدند، خدای متعال به او وحی نمود که آن میوه را از این درخت بچین و در دهانت بچرخان (بخور)، و پدرم چنین کردند و به این ترتیب خداوند مرا در صلب پدرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قرار داد و بعد مرا در شکم خدیجه دختر خویند قرار داد، و من از او متولد شدم، پس من از همان نور هستم، که نسبت به هر آنچه بوده، و هست و خواهد بود علم و آگاهی دارم، ای ابا الحسن! مؤمن با نور خدای متعال می بیند و نظاره می کند. (1)

فاطمه ای که مظهر نور خدای اکبر است***فاطمه ای که دختر یگانه پیمبر است

فاطمه ای که در عجب گشته علی ز علم او***گفته نبی عجب مکن، با من تو برابر است

ص: 50

در زیارت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا به «دانشمند» بودن ایشان اشاره شده، که مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب الأحکام، زیارت آن حضرت را نقل نموده و در فرازی از آن می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ.

سلام بر شما ای کسی که فرشتگان با او حرف زده اند و ای کسی که عالم و دانشمند هستی. (1)

اعطای حق به ختم رسل چیست؟ کوثر است*** کوثر وجود اقدس زهراى اطهر است

زهرا علیمه، طاهره، زهره، محدّثه*** زهرا همان بتول، بتول مطهّر است

2_ علم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جایگاه و خزانه دار علم خداوند در آسمان و زمین هستند، به همین جهت به حقایق

ص: 51

1- _ بحار الأنوار، ج 97، ص 195، ح 12؛ تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج 6، ص 10، ح 12.

عالم، آگاهی و دسترسی کامل دارند و این امر، لازمه مقام امامت ایشان می باشد.

مرحوم صفار قدس سره در کتاب بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، روایتی را از سوره بن کلب نقل نموده که گفت:
حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

وَاللَّهِ! إِنَّا لَخُزَانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ، لَا عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ.

به خدا قسم! ما خزانه داران خدا در آسمان و زمین او هستیم، اما نه بر طلا و نقره، بلکه بر علم او. (1)

غلامو بنده آنم که قطب ارض و سماست*** به یمن مقدم و تدبیرش این جهان برپاست

امامحجت موجود، مهدی موعود که*** از طفیل وجودش حیات ما برخاست

ص: 52

1- _ بحار الأنوار، ج 26، ص 105، ح 1؛ بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج 1، ص 104، ح 1؛ الكافي، ج 1، ص 192، ح 2.

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل نموده که ایشان در باره تفسیر آیه: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (1)، فرمودند:

هُمُ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

آن ها ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ هستند. (2)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب عیون اخبار الرضا علیه اسلام، روایتی را از حضرت ابا الحسن الرضا علیه اسلام نقل نموده که آن حضرت در باره نشانه های امام معصوم، فرمودند:

لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ، يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشَجَعَ النَّاسِ وَأَسْحَى النَّاسِ وَأَعْبَدَ النَّاسِ.

برای امام نشانه هایی است که او همواره دانشمندترین مردم، و حکیم ترین مردم، و باتقواترین مردم، و بردبارترین مردم، و شجاع ترین مردم، و سخاوتمندترین مردم و عابدترین مردم می باشد. (3)

ص: 53

1- _ سورة عنكبوت، آیه 49.

2- _ الكافي، ج 1، ص 214، ح 2.

3- _ بحار الأنوار، ج 25، ص 116، ح 1؛ عیون أخبار الرضا علیه اسلام، ج 1، ص 213، باب 19، ح 1.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده که فرمودند: علم به کتاب خدای عزوجل و سنت پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در دل مهدی ما می روید، همان طور که گیاهان به بهترین نحو رشد و نمو می کنند، پس اگر هر کدام از شما زنده ماند و او را دید، باید هنگام دیدنش بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرَّسَالَةِ.

سلام بر شما ای اهل بیت رحمت و نبوت، و معدن و مرکز علم و دانش و جایگاه رسالت! (1)

مرحوم قطب الدین راوندی قدس سره در کتاب الخرائج و الجرائح، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که فرمودند: علم، بیست و هفت جزء دارد، تمام آنچه که فرستادگان آورده اند دو جزء است و مردم تا به امروز به غیر از این دو جزء، چیزی نمی دانند.

فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ جُزْءًا، فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءَيْنِ، حَتَّى بَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ جُزْءًا.

ص: 54

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 317، ح 16؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 653، ح 18.

پس هنگامی که قائم علیه السّلام قیام کند، بیست و پنج جزء دیگر علم را خارج ساخته، آن را در بین مردم منتشر می کند و این دو جزء را هم به آن می افزاید تا اینکه به بیست و هفت جزء خواهد رسید. (1)

ای شهریار ارضو سما در زمین بیا***ای وارث پیمبر و قرآن و دین، بیا

تنها تویی امید همه ناامیدها***ای در ائمه از همه تنهاترین بیا

مرحوم احمد بن علی طبرسی قدس سره در کتاب الإحتجاج علی أهل اللجاج، توقیعی را از ناحیه مقدسه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل نموده که در آن سفارش به خواندن «زیارت آل یاسین» می فرمایند، که در فرازی از آن می خوانیم:

السّلامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْنُوبُ.

سلام بر شما ای پرچم افراشته شده و ای علم ریخته شده. (2)

بنا بر این خداوند علم خویش را به قلب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل نموده و آن را جایگاه علم خودش قرار داده است.

عشق تو مرا أَلَسْتَ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ***هجر تو مرا اِنْعَذَابِي لَشَدِيدٍ

بر کنج لب نوشته یحیی و یُمیت***مَنْ مَاتَ مِنَ الْعِشْقِ فَقَدْ مَاتَ شَهِيدٍ

ص: 55

1- الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 841، ح 59.

2- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج 2، ص 493.

1- حضرت زهرا سلام الله علیها شفیع روز قیامت هستند

روایات زیادی بر مقام شفاعت حضرت فاطمه سلام الله علیها دلالت دارند، که در این جا، به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار روایتی را از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل نموده که فرمودند: ملعون است ملعون است کسی که پس از من به دخترم فاطمه ظلم کند و حقش را غصب نماید و او را بکشد؛ سپس فرمودند:

يَا فَاطِمَةُ! ابْشِرِي، فَلَاكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ، تَشْفَعِينَ فِيهِ لِمُحِبِّيكَ وَشِيعَتِكَ فَشُفِّعِينَ.

ای فاطمه! بشارت باد بر تو! پس برای تو در نزد خداوند مقام و منزلتی نیکو هست که در آن، برای دوستداران و شیعیان شفاعت می کنی و شفاعت تو پذیرفته می شود. (1)

ای بارها ستوده بقرآن خدا تو را***ویگفته جان وحی که: جانم فدا تو را

ص: 56

فردا که خلق دست به دامان احمدند*** احمدزند برای شفاعت صدا تو را

مرحوم فرات بن ابراهیم کوفی، در کتاب تفسیرش، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه اسلام نقل نموده، که آن حضرت فرمودند: جابر به پدرم، حضرت امام محمد باقر علیه اسلام عرض کرد: فدایتان شوم! ای پسر رسول خدا! برای من حدیثی در فضیلت جدّه بزرگوار خود، حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا بیان فرماید، که هر وقت آن را برای شیعیان بازگو کنم، از آن خوشحال شوند.

امام باقر علیه اسلام فرمودند: پدرم حدیثی را، از قول جدّم، از رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کردند که آن حضرت فرمودند: هنگامی که روز قیامت فرا برسد، منبرهایی از نور برای پیامبران و رسولان نصب خواهد شد، پس در آن روز، منبر من از همه آن ها، بالاتر خواهد بود.

تا آنجا که فرمودند:

وَ اللّٰهُ! يَا جَابِرُ! إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ لَتَلْتَفِطُ شِيعَتَهَا وَ مُحِبِّهَا كَمَا يَلْتَفِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْحَبِيْدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيِّ.

ص: 57

امام باقر علیه اسلام فرمودند: به خدا سوگند! ای جابر! آن حضرت در آن روز، همان طوری که پرنده، دانه خوب را از بد جدا میکند، شیعیان و دوستداران خود را، از میان اهل محشر جدا می کنند. (1)

شنیده ای که چو مرغی که دانه برچیند*** به روز حشر کند دوستان خویش جدا

شنیده ای که برای شفاعت امت*** رسول، فاطمه را می زند به حشر صدا

ابن عقده کوفی در کتاب فضائل امیرالمؤمنین علیه اسلام، روایتی را از بلال بن حماسة نقل نموده که گفت: یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ما وارد شدند در حالی که نور صورتشان مثل قرص ماه می درخشید، پس عبدالرحمن بن عوف برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! این چه نوری است؟ حضرت فرمودند: به خاطر مژده ای است که از طرف پروردگارم درباره برادرم و پسر عمویم (علی علیه اسلام) و دخترم (فاطمه سلام الله علیها) به من داده شده.

تا آنجا که فرمودند:

ص: 58

1- بحار الأنوار، ج 8، ص 51، ح 59 و ج 43، ص 64، ح 57؛ تفسیر فرات الکوفی، ص 298، ح 403.

فَكَأَكُهُ مِنَ النَّارِ بِأَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي فَكَأَكُ رِقَابِ رِجَالٍ وَنِسَاءٍ مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ.

پس در روز قیامت، مردان و زنان ائمتّم به وسیله پسر عمویم علی علیه السّلام و دخترم فاطمه سّلام اللّهِ علیها از آتش جهنم نجات پیدا می کنند. (1)

لطف تو و کرامت تو فوق عالم است ***گرکلّ خلق را به تو بخشد خدا، کم است

چون صحبت از شفاعت روز جزا شود ***نام تو از تمام شفیعیان مقدّم است

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز، شفیع روز قیامت هستند

مرحوم ابن شهر آشوب مازندرانی ق در کتاب مناقب آل ابی طالب علیهم السّلام، حدیثی را از امیر المؤمنین علی علیه السّلام و جابر بن عبدالله انصاری نقل نموده که رسول خدا صّ لمی اللّهُ علیهِ و آله و سّلم فرمودند: من شما را بر حوض وارد می کنم و تو ای علی! ساقی هستی و حسن حمایت کننده، و حسین فرمان دهنده ...

تا آنجا که فرمودند:

ص: 59

1- _ بحار الأنوار، ج 43، ص 124؛ فضائل امیر المؤمنین علیه اسلام، ص 105، ح 102.

وَالْهَادِي الْمَهْدِي شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَيْثُ لَا يَأْذَنُ اللَّهُ إِلَّا لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى.

و هادی مهدی شفاعت کننده آن ها در روز قیامت است، روزی که خداوند جز به کسانی که اراده فرماید و از ایشان راضی باشد، به کسی اجازه شفاعت نمی دهد. (1)

ای شفیع جمله درماندگان این جهان***کن شفاعت هر فقیر درگهت در این زمان

مفلس و درمانده ایم و روسیاه درگهت***با توسل الامان خواهیم، ای بحر امان

البته مرحوم آیت الله موسوی اصفهانی قدس سره، صاحب کتاب شریف مکیال المکارم هم، در بخش پنجم این کتاب شریف، در فصل «نتایج دعا برای فرج»، یکی از این نتایج را با عنوان «رستگاری به شفاعت آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قیامت»، بیان فرموده است.

ایشان پس از اثبات بحث شفاعت و اشاره به شفعای روز قیامت و اینکه چه کسانی استحقاق شفاعت را دارند، ثابت فرموده که دعا کردن برای

ص: 60

1- بحار الأنوار، ج 36، ص 270؛ مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج 1، ص 292.

تعجیل فرج مولایمان صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، باعث رستگاری به شفاعت آن حضرت می شود.

ایشان می فرماید:

برای رستگاری به شفاعت شافعان روز قیامت، لازم است رابطه ای میان شفاعت کننده و مشفوع له در دنیا بوده باشد، مثل اینکه خدمت، یا کمک، یا برآوردن حاجت، یا دعا کردن، یا اظهار محبت خالصانه، یا دفع اذیت نسبت به وی انجام گردد.

ایشان سپس با طرح دو روایت در موضوع اینکه حتی مؤمن هم می تواند در روز قیامت برادر مؤمنش را شفاعت کند، می فرماید:

وقتی وضع مؤمن با کسی که رابطه جزئی با او دارد چنین باشد، بدون تردید مولای ما حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در حق کسی که پیوسته برای آن حضرت دعا نماید، شفاعت می کند و او را روز قیامت در عذاب رها نمی سازد، زیرا که دعا از روابط مهم و

ص: 61

ریسمانهای محکم است که نشانه محبت و مایه مسرت و از اقسام یاری و انواع خدمت به آن حضرت است. (1)

خداوند توفیق دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت، و رستگاری به شفاعتشان را به همگان، بویژه جوانانمان، عنایت فرماید.

دستش گره گشاست، نگاهش گره گشاست*** یک خنده روی صورت ماهش گره گشاست

شعبان کرامت استو شفاعت علی الخصوص*** ماه تمام نیمه ماهش گره گشاست

سخن گفتن حضرت فاطمه سلام الله علیها در شکم مادر

اشاره

ص: 62

1- _ مکیال المکارم، ج 1، ص 403.

1- سخن گفتن حضرت فاطمه سلام الله علیها در شکم مادر

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب الأمالی، روایتی را از مفضل بن عمر نقل نموده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: ولادت حضرت فاطمه سلام الله علیها چگونه بوده است؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه سلام الله علیها ازدواج کردند، زنان مکه از خدیجه کناره گیری نمودند و نزد وی نمی رفتند، به او سلام نمی کردند، و به هیچ زنی اجازه نمی دادند که با او معاشرت و تماس داشته باشد. این برخورد آنان، سبب ناراحتی و اندوه خدیجه شد، البته غم و اندوه او بیشتر به خاطر پیامبر خدا بود که مبادا به ایشان آسیبی برسد.

فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا، وَ كَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَوْمًا، فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ! مَنْ تُحَدِّثِينَ؟ قَالَتْ: الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤَسِّسُنِي، قَالَ: يَا خَدِيجَةُ! هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أَنْتِ وَ أَنَّهَا النَّسَلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ، وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا، وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ.

هنگامی که خدیجه به حضرت فاطمه حامله شد، فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در رحم مادر همدم او بود و با مادرش سخن می گفت، و او را به صبر توصیه می نمود، خدیجه این موضوع را از رسول خدا صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مخفی می داشت. تا اینکه یک روز پیامبر نزد خدیجه آمدند و شنیدند که او با کسی سخن می گوید، پس به او فرمودند: ای خدیجه! با چه کسی سخن می گویی؟ خدیجه گفت: با این بچه ای که در رحم دارم، او با من سخن می گوید و مونس اوقات تنهایی من است.

رسول خدا صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: ای خدیجه! این جبرئیل است که مرا بشارت داده که او دختر است، و او منشأ نسلی پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند، و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی، امام و خلیفه خدا در زمین باشند. (1)

او آسمان ها را چراغ انجمن بود*** با مام خود پیش از ولادت هم سخن بود

ص: 64

1- _ الأُمالي (للصدوق)، ص 593، مجلس 87، ح 1؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 2، ح 1.

در ظرف باورها ننگبند، هر چه می گفت***تنها خدا داند که با مادر چه می گفت

مرحوم بحرانی اصفهانی قدس سره در کتاب عوالم العلوم، روایتی را از کتاب مناقب الطاهرین نقل نموده که روزی حضرت خدیجه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا نماز می خواند و خواست در رکعت سوّم سلام بدهد که ناگهان حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا از شکم مادر ندا داد که:

«قُومِي يَا أُمَّاهُ، فَإِنَّكَ فِي الثَّالِثَةِ».

برخیز ای مادر! تو در رکعت سوّم می باشی! (1)

این کوثر و نور و قدر و طاهاست***این مادر یازده مسیحاست

این است که در رحم سخن گفت***اسرار خدای ذوالمنن گفت

2- سخن گفتن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شکم مادر

بنا بر اخبار رسیده، همان طور که حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا در شکم مادر سخن گفته اند، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز در رحم مادرشان، سخن گفته اند.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدّین روایتی را از جناب حکیمه خاتون عَلَیْهَا السَّلَامُ، نقل نموده که می فرماید:

ص: 65

1- _ عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج 11، ص 855.

تا هنگام طلوع فجر پیوسته مراقب نرجس بودم، او در کنار من خوابیده و گاهی پهلو به پهلو می شد. نزدیک طلوع فجر ناگهان برخاستم و به سوی او شتافتم و او را به سینه چسبانیدم و نام خدا را بر او خواندم.

در این هنگام حضرت عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ با صدای بلند فرمودند: ای عمه! سوره قدر را بر او بخوان. پس شروع کردم به خواندن سوره قدر و از او (نرجس عَلَیْهَا السَّلَامُ) پرسیدم حالت چطور است؟ گفت: آنچه که مولایم فرموده بودند، ظاهر گردید.

فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأَ عَلَيْهَا كَمَا أَمَرَنِي فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأُ وَسَلَّمَ عَلَيَّ، قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَفَزِعْتُ لِمَا سَمِعْتُ، فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَعْجَبِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنْطِقُنَا بِالْحِكْمَةِ صِغَارًا، وَيَجْعَلُنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ كِبَارًا.

پس چون برای او سوره قدر را می خواندم، آن جنین نیز در شکم مادر با من می خواند، و بعد به من سلام کرد. جناب حکیمه گفت: هنگامی که صدای او را شنیدم وحشت کردم! پس حضرت عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ صدا زدند: از کار خداوند عزوجل تعجب مکن! که همانا

خداوند تبارک و تعالی ما را در کودکی با حکمت گویا نموده و در بزرگی، در روی زمین حجت خود می گرداند. (1)

عاشقان با بذل جان گلبانگ جانان بشنوید***بانگ تبریک از خدای حیّ متّان بشنوید

وصف آن گل راز مرغان خوش الحان بشنوید***اهل قرآن از زبانش صوت قرآن بشنوید

هر دو بزرگوار مظلوم هستند

اشاره

یکی دیگر از ویژگی های مشترک بین آن دو بزرگوار، مظلومیت است.

1_ مظلومیت حضرت فاطمه سلام الله علیها

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در باره مظلومیت همسرشان می فرمایند:

إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمْ تَزَلْ مَظْلُومَةً، مِنْ حَقِّهَا مَمْنُوعَةٌ، وَعَنْ مِيرَاثِهَا مَدْفُوعَةٌ.

همانا فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، همواره ستم دیده بود و از حق خود ممنوع، و از میراث خویش محروم بوده

است. (2)

ص: 67

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 13، ح 14؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 428، ح 2.

2- بحار الأنوار، ج 51، ص 13، ح 14؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 428، ح 2.

تاچند کشم هر سو این قد کمانی را *** ای مرگ بگیر از من یکباره جوانی را

مظلوم تراز من نیست گر هست بگویم کیست؟ *** آنکس که نهد در گور این قد کمانی را

در فرازی از زیارت آن حضرت می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الصَّابِرَةُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ حَقَّكَ، وَ دَفَعَكَ عَنْ إِثْرِكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَأَعْتَنَكَ وَ غَصَّصَكَ بِرَيْقِكَ، وَ
أَدْخَلَ الدَّلَّ بَيْتَكَ.

سلام بر تو، ای مظلوم صابر! لعنت خداوند بر کسی که تو را از حقت باز داشت و از ارثت منع نمود، و لعنت خداوند بر کسی که بر تو ستم کرد و آزرده ات ساخت و (کاری کرد که) آب دهانت را به سختی فرو می دادی، و ذلت را وارد منزلت نمود. (حرمت خانه ات را شکست) (1)

ص: 68

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 198، ح 16؛ المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص 82، ح 3.

بسوز دل، که علی بین خانه بود و عدو*** شریک زندگی اش را در آستانه گرفت

کشید ناله زدل آه آه فضا بیا*** که قاتل از من مظلومه، نازدانه گرفت

در بخشی از زیارت دیگر آن حضرت، می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُضْطَّهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ.

سلام بر تو، ای ستمدیده ای که حقت غصب شده! سلام بر تو، ای سرکوب شده ای که مقهور دشمن شدی!⁽¹⁾

دیگر کسی نمی زند از بیت ما دری*** از من غریبتر نتوان یافت مادری

چون شمع، آب گشته ام از آتش فراق*** دیگر نمانده از من مظلومه پیکری

همچنین در فرازی از زیارت آن حضرت، در روز میلادشان، عرضه می داریم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى الْبُتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِّيقَةِ الْمَعْصُومَةِ النَّعِيَّةِ النَّعِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الرَّكِيَّةِ

ص: 69

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 195، ح 12؛ المزار (للسهيد الاول)، ص 23، ح 3.

الرَّشِيدَةَ الْمَظْلُومَةَ الْمُقْهُورَةَ الْمَغْصُوبَةَ حَقَّهَا، الْمَمْنُوعَةَ إِزْئُهَا، الْمَكْسُورَ ضِلْعَهَا.

خداوندا! بر محمد و بر اهل بیت او درود فرست، و همچنین درود بفرست بر بتول طاهرة صديقه معصومه متقی، نقی، خشنود مورد خشنودی زکی، هدایت یافته مظلوم، ستمدیده، کسی که

حَقَّشْ غِصْبَ شَدَّ، وَازْأَرَشْ مَنَعَ شَدَّ، وَپَهْلُویشْ شَكْسْتَهْ شَدَّ. (1)

حیف از آن نخل که بی برگ شد***حیف که ناموس خدا را زدند

اول زندگی جوان مرگ شد***مادر مظلومه ما را زدند

2_ مظلومیت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین روایتی را از جناب اصبع بن نباته نقل نموده که گفت: از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْوَجِيدُ.

ص: 70

صاحب این امر، همان آواره، رانده شده، تک و تنها است. (1)

به غربت حرم و خانه خدا بنگر*** که نام قاتل زهراست نقش دیوارش

حرم غریب و تو مظلوم، شیعه ات تنها*** سرشک توست که ریزد ز چشم خونبارش

مرحوم نعمانی قدس سره در کتاب الغیبة روایت دیگری را از ابو جارود نقل نموده که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ هُوَ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْمُؤْتَوَّرُ بِأَيِّهِ، الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ، الْمُفْرَدُ مِنْ أَهْلِهِ، اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ.

صاحب این امر همان کسی است که طرد شده و آواره و تنهاست و خون جدش بازخواست نشده، و کنیه عمویش را دارد و از خانواده اش

تک افتاده و هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (2)

شیعیان! بس نیست غفلت هایمان؟*** غربت و تنهایی مولایمان

ص: 71

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 120، ح 21؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 303، ح 13.

2- بحار الأنوار، ج 51، ص 38، ح 12؛ الغیبة (للنعمانی)، ص 179، ح 24.

ما ز خود مولای خود را رانده ایم*** از امام خویش غافل مانده ایم

در حدیث دیگری از داود بن کثیر رقی نقل است که گفت: از حضرت موسی بن جعفر (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) در باره صاحب این امر پرسیدم، فرمودند:

هُوَ الطَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ، الْمَوْتُورُ بِأَيِّهِ عَلَيْهِ اسْلَام .

او، همان رانده شده یکه و تنهای غریب است و از نظر کسانش غایب است، پدرش را کشته اند و او خونخواهی نکرده است. (1)

نقل است که مرحوم آیت الله میرجهانی قدس سره در عالم رؤیا، مادر مظلومه خود، حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا را می بیند و ایشان سه بیت شعر فارسی می خوانند، ولی وقتی بیدار می شود فقط این یک بیت را به یاد داشته است:

دلی شکسته تر از من در آن زمانه نبود در*** این زمان دل فرزند من شکسته تر است

در کتاب شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است که مرحوم حجة الاسلام آقای حاج سید اسماعیل شرفی می گوید:

ص: 72

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 151، ح 4؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 361، ح 4.

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء عَلَیْهِ السَّلَامُ مشغول زیارت بودم. چون می دانستم که دعای زائرین آن حضرت در قسمت بالا سر حرم مطهر، مستجاب است، در آن جا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار، روشن کند.

مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهان تاب جمالش ظاهر گردید. گرچه در آن هنگام، حضرتش را نشناختم، ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم. پس از سلام، از ایشان پرسیدم: «شما که هستید؟»، آقا فرمودند: «من، مظلوم ترین فرد عالم هستم!» من، متوجه نشدم و با خود گفتم: «شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند، خود را مظلوم ترین فرد عالم می داند». در این هنگام، ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست. این جا بود که فهمیدم، مظلوم ترین فرد عالم، کسی جز امام زمان ارواحنا فداه نیست، و من نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم. (1)

ای که داری ادعای بندگی *** پاسخی داری به جز شرمندگی

ص: 73

1- _ شیفتگان حضرت مهدی علیه اسلام، ج 3، ص 159.

غافل از غربت مهدی اگر ***گشته ای کوفی نداری خود خبر

علاقه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نسبت به هر دو بزرگوار

1_ علاقه و محبت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا

اشاره

همه مورخان و راویان حدیث نوشته اند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به دخترشان حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا علاقه و محبت عجیبی داشته اند.

و این علاقه تنها به خاطر رابطه پدری و فرزندی نبود، بلکه عبارت ها و سخنان آن حضرت، که طبق آیه شریفه: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»⁽¹⁾، از روی هوی و هوس نبوده و مطابق با وحی الهی است، حکایت از اهمیت این مطلب دارد.

یعنی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از این طریق خواسته اند، کامل ترین، سرفرازترین و زیباترین الگوی جاودانه عصرها و نسل ها را، در آینه رفتار و گفتار خود، معرفی فرمایند.

لذا با توجه به روایات فراوانی که در این زمینه به ما رسیده است، در این جا به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

ص: 74

1- _سوره نجم، آیه 3.

ای دخت مصطفی که پدر خوانده مادرت***صف بسته انبیا به ادب در برابرت

تو کیستی که خواجه لولاک می شنید***بوی بهشت از نفس روح پرورت

الف) عزیزترین انسان ها

مرحوم شیخ مفید قدس سره روایتی را از سعد بن مالک (یعنی پسر ابی وقاص) نقل نموده که گفت: از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می فرمودند:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي، وَمَنْ سَاءَ مَا فَقَدْ سَاءَ نِي، فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ.

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را شادمان گرداند مرا خوشحال نموده و هر کس به او بدی کند به من بدی نموده است، فاطمه عزیزترین مردم در نزد من است.⁽¹⁾

محبوبه حق کسی به جز فاطمه نیست***گر هست کسی بگویم آن کس کیست

بعد از پدرش محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را همسر

ص: 75

1- _ الأُمالي (للمفید)، ص 260، مجلس 31، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 23، ح 17 و ص 39، ح 41.

در رتبه کسی نیست اگر هست علیست

ب) محبوب دل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در شب زفاف حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا ، اینچنین نیایش گرانه به درگاه خدای متعال عرضه داشتند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ ابْنَتِي وَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ.

خداوندا! این دخترم فاطمه، محبوب ترین خلق در نزد من است.

مریم از یک نسبت عیسی عزیز***از سه نسبت حضرت زهرا عزیز

نور چشم رحمة للعالمین***آن امام اولین و آخرین

مرحوم طبری آملی قدس سره در کتاب دلائل الإمامة، روایتی را از حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا نقل نموده که فرمودند: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

يَا حَبِيبَةَ أَبِيهَا! كُلِّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَمْرٌ.

ای محبوب دل پدر! هر مست کننده ای حرام است و هر مست کننده ای شراب محسوب می شود. (1)

ص: 76

1- الأُمالي (للطوسي)، ص 43، مجلس 2، ح 14؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 96، ح 5.

احمد که به جمله انبیا خاتمه است***برعرش خدا وجود او قائمه است

با این که بود فخر دو عالم اما***فخریه کند که دخترش فاطمه است

همچنین در فرازی از زیارت آن حضرت، که مرحوم سید بن طاووس قدس سره، آن را در کتاب شریف إقبال الأعمال نقل نموده، می خوانیم:

فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ، وَبَضْعَةَ لَحْمِهِ، وَصَمِيمَ قَلْبِهِ، وَفِلْدَةَ كَبِدِهِ، وَالتُّخْبَةَ مِنْكَ لَهُ، وَالتُّحْفَةَ خَصَصْتَ بِهَا وَصِيَّهً، وَحَبِيبَةَ الْمُصْطَفَى، وَقَرِينَةَ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ.

فاطمه دختر رسولت، و پاره تن او، و جوهرة قلب او، و جگرگوشه او، و برگزیده تو برای او، و هدیه ای که او را برای وصی اش اختصاص دادی، و محبوبه مصطفی، و همسر مرتضی، و بانوی بانوان. (1)

ص: 77

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب الأمالی، روایتی را از جَمِیع بن عَمیر نقل نموده که گفت: عمّه ام به عایشه می گفت و من می شنیدم: این چه کاری بود که (برای جنگ) به سوی علی علیه اسلام قدم برداشتی؟ عایشه گفت:

دَعِينَا مِنْكَ، إِنَّهُ مَا كَانَ مِنَ الرَّجَالِ أَحَبُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَلَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا.

ما را رها کن! هیچ مردی در نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ محبوب تر از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و هیچ زنی نزد ایشان، محبوب تر از فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا نبود. (1)

فاطمه ای که مصطفی خوانده به رتبه مادرش ***به احترام می کند قیام در برابرش به دست و سینه و جبین بوسه زند مکررش ***بوی بهشت یافته از دم روح پرورش

ج) مایه حیات قلب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

هنگامی که آیه شریفه: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا» (2)، نازل شد، و خدای متعال به همگان هشدار داد که پیامبرش را

ص: 78

1- _ الأمالی (للطوسي)، ص 332، مجلس 12، ح 3؛ بحار الأنوار، ج 40، ص 120، ح 7 و ج 43، ص 23، ح 18.

2- _ سورة نور، آیه 63.

با ادب و با عنوان «رسول الله»، صدا بزند، حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا نیز که سمبل ادب و تجسّم معرفت می باشند، از اینکه به آن حضرت «پدر» بگویند خودداری می کردند، و ایشان را با عبارت «یا رسول الله» صدا می زدند، و با اینکه سه مرتبه

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را با این عنوان مورد خطاب قرار دادند ولی ایشان جوابی نمی دادند، تا اینکه فرمودند:

يَا فَاطِمَةُ! إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ وَ لَا فِي نَسْلِكَ، أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْغُلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ، أَصْحَابِ الْبَدْحِ وَ الْكِبْرِ، قُولِي: يَا أَبَتِ! فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ.

ای فاطمه! این آیه در باره تو، و اهل تو و خانواده تو نازل نشده، زیرا تواز من هستی و من از تو، همانا این آیه در باره این در مورد ستمکاران و تندخویان بی ادب قریش نازل شده است، آنان که گردنکش و اهل کبر و غرورند، تو بگو: پدرجان! که این سخن قلب مرا زنده می کند و خدا را خشنود می سازد.⁽¹⁾

شنیده ای که نبی از ملال اوست ملول***شنیده ای که خدا با رضای اوست رضا

ص: 79

1- بحار الأنوار، ج 43، ص 33؛ مناقب آل أبي طالب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (لابن شهر آشوب)، ج 3، ص 320.

شنیده ای که برای شفاعت امت ***رسول، فاطمه رامی زند به حشر صدا

2_ علاقه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ به حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

مرحوم خزّاز رازی قدس سره در کتاب کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، روایتی را از امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَام نقل نموده که فرمودند: شنیدم که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ در ضمن بیان معارف ولایت و امامت ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، در باره حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) می فرمایند:

بَابِي وَ أُمِّي سَمِيَّي وَ شَبِيهِي وَ شَبِيَهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ الثَّوْرِ، أَوْ قَالَ: جَلَابِيْبُ الثَّوْرِ، يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ.

پدر و مادرم فدای آن کسی که همنام من، و شبیه من، و شبیه موسی بن عمران است، و بر تن او گریبان هایی از نور است، و یا اینکه فرمودند: جامه هایی از نور است که از پرتو قدس روشن می شود. (1)

مهدیم من که خدا مونس غمهای من است ***حامی وحی خدا واله و شیدای من است

ص: 80

1- بحار الأنوار، ج 36، ص 337، ح 200؛ كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 158.

رشته نظم جهان در ید بیضای من است***بهترین نعمت حق مهر و تولای من است

مرحوم ابن بابویه قدس سره در کتاب شریف کمال الدین و تمام النعمة، در روایتی طولانی از حضرت امام حسین علیه السلام نقل نموده: هنگامی که ایشان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدند و آن حضرت ایشان را با عنوان «زینت آسمان ها و زمین» مورد خطاب قرار دادند، اُبی بن کعب که در محضر آن حضرت بود عرض کرد: ای رسول خدا! آیا زینت آسمان ها و زمین کسی غیر از شماست؟!

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شروع کردند به بیان مقام و منزلت ائمه اطهار علیهم السلام، یکی پس از دیگری، تا اینکه رسیدند به نام نامی و اسم گرامی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آنگاه فرمودند:

طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ، وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ، يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِالْإِقْرَارِ بِهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِجَمِيعِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

خوشا به حال کسی که او را ملاقات کند، و خوشا به حال کسی که او را دوست دارد، و خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد،

خداوند به خاطر اعتقاد به او، و به رسول خدا و به همه ائمه علیهم السلام، از هلاکت نجاتش می دهد.

تو نور چشم ختم المرسلینی*** تو فرزند امیرالمؤمنینی

تویی روح و روان پاک زهرا*** تو فخر اولین و آخرین

در روایت دیگری آمده است: هنگامی که خدای متعال رسولش را به معراج برد، آن حضرت را به وجود نورانی ائمه اثنا عشر علیهم السلام و حکمت اسامی تک تک آن ها، بشارت داد، آنگاه فرمود: آیا دوست داری آن ها را ببینی؟ و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشتند: بله، ای پروردگارم!

پس خداوند فرمود: به سمت راست عرش توجه کن، و هنگامی که آن حضرت نظر کردند همه آن ها را دیدند،

و الْمَهْدِيَّ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ، قِيَامٌ يُصَلُّونَ، وَ الْمَهْدِيُّ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.

که آن ها و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دریایی از نور ایستاده و نماز می خوانند و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان آنها مانند ستاره درخشانی بود. (1)

ص: 82

1- بحار الأنوار، ج 36، ص 208، ح 8؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 268، ح 11.

تویی محیی دینو شرع احمد***تویی مجری فرمان های سرمد

امام منتقم شاهاتویی تو***توهستی قائم آل محمد

خلاصه اینکه آن قدر ایشان، محبوب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستند که به فرمایش حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای عهد، پس از بیان درخواست هایی از خداوند برای وجود مقدس آن حضرت و دعا برای تعجیل فرجشان، عرضه می دارند:

اللَّهُمَّ وَسُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِرُؤْيَيْتِهِ.

خدایا! پیامبرت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را، به واسطه دیدار وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خوشحال نما. (1)

یزدان، که تو را ولایت مطلق داد***بازار محبت تو را رونق داد

نور تو نوید «زَهَقَ الباطل» بود***هر تو به دل مژده «جاء الحق» داد

ص: 83

1- حضرت فاطمه سلام الله علیها سرور زنان جهان هستند

یکی از القاب حضرت فاطمه سلام الله علیها «سیده نساء العالمین» است، که در روایات فراوانی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این لقب را به آن حضرت عطا نموده اند، لذا به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب شریف الأمالی، در ضمن حدیثی از ابن عباس نقل نموده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اهل بیتشان را دور خود جمع نمودند و پس از اظهار محبت نسبت به آن ها، یکی یکی به ذکر فضائل و مناقب و مصائبشان پرداختند، تا اینکه فرمودند:

وَأُمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ، فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي، وَهِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي، وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنبَيْ.

و اما دخترم فاطمه، پس همانا او برترین زنان جهانیان است از اولین تا آخرین، و او پاره تن من است، و او نور دو چشمان من است، و او میوه قلب من است، و او روح و جان من است. (1)

ص: 84

1- الأمالی (للصدوق)، ص 113، مجلس 24، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 28، ص 38، ح 1 و ج 43، ص 172، ح 13.

فاطمه قرآن رسول خداست***پاره تن جان رسول خداست

بیت گلینش حرم داور است***قبله جان و دل پیغمبر است

مرحوم عماد الدین طبری در کتاب شریف بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، روایتی را از عمران بن حصین نقل نموده که: وقتی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خطاب به دخترشان فرمودند: آیا خشنود نمی شوی که تو «سیده نساء العالمین»، باشی؟ آن حضرت عرض کردند: ای پدر جان! پس جایگاه مریم دختر عمران چه می شود؟ حضرت به ایشان فرمودند:

أَيُّ بُنَيَّةٍ تِلْكَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَأَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

دخترکم! او سرور زنان عالم خود است ولی تو سرور زنان جهانیان هستی. (1)

هم

بولای تو زنده عالم و آدم***هم بوجود تو بسته احمد و حیدر

سیده کائنات، بانوی کونین***فاطمه طاهره بتول مطهر

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب شریف الامالی، در روایتی طولانی از جناب سلمان علیه اسلام نقل نموده که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در ضمن بشارت هایی در باره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به دخترشان حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا فرمودند:

ص: 85

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، وَ اخْتَارَ عَلِيًّا وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ، وَ اخْتَارَكَ؛ فَأَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، وَ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَرَبِ، وَأَنْتِ سَيِّدَةُ
النِّسَاءِ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

پس خدای متعال از بین اهل بیتم مرا برگزید، و سپس علی و حسن و حسین را برگزید، و آنگاه تو را برگزید، پس من سرور فرزندان آدم
هستم، و علی سرور عرب است، و تو سرور زنان هستی و حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت می باشند. (1)

ممدوحه شخص اول خلقت***محبوبه ذات حی یکتائی

هم سیده النساء امروزی***هم شافعه الرجال فردائی

در مجلسی که عمر برای تعیین خلیفه پس از خودش، تشکیل داد و به «شورای شش نفره» معروف شد، حضرت علی علیه السلام که خود
حجت خدا و امیر عالم هستند، به این لقب همسرشان، حضرت فاطمه سلام الله علیها افتخار نمودند.

ص: 86

1- _ الأُمالي (للطوسي)، ص 608، مجلس 28، ح 2؛ بحار الأنوار، ج 22، ص 503، ح 48 و ج 40، ص 67، ح 100.

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب الامالی، روایتی طولانی را از جناب ابوذر غفاری (رحمه الله علیه) نقل نموده که گفت: حضرت علی علیه السلام اعضای آن جلسه که عبارت بودند از عثمان، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص، را به خدای یکتا قسم داده تا به درستی کلام آن حضرت اقرار نمایند.

تا آنجا که فرمودند:

فَهَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ زَوْجَتُهُ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ غَيْرِي؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا.

آیا در میان شما کسی غیر از من هست که همسرش سرور بانوان بهشت باشد؟ همه گفتند: خدایا، نیست. (1)

در تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آمده است هنگامی که بنی اسرائیل در بیابان ها سرگردان شدند و تشنگی امانشان را بریده بود با گریه و زاری به سوی حضرت موسی علیه اسلام آمده و گفتند: از تشنگی هلاک شدیم. پس حضرت موسی علیه اسلام برای قومش، به درگاه خداوند، این گونه دعا کرد و آب طلبید:

ص: 87

1- الامالی (لطوسی)، ص 546، مجلس 20، ح 4؛ بحار الأنوار، ج 31، ص 372، ح 24.

إِلَهِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَبِحَقِّ عَلِيِّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ أَفْضَلِ الشُّهَدَاءِ وَبِحَقِّ عَتْرَتِهِمْ وَخُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَرْكَبَاءِ لَمَّا سَقَيْتَ عِبَادَكَ هَوْلَاءِ.

خدایا! به حق محمد سرور پیامبران، و به حق علی سرور اوصیاء، و به حق فاطمه سرور زنان، و به حق حسن سرور اولیاء، و به حق حسین برترین شهداء، و به حق عترت و جانشینان شان سرور پاکان، تو را سوگند می دهیم که این بندگان را آب دهی. (1)

خدا حقیقت نور است و مظهرش زهراست***نبی عصاره قرآن و کوثرش زهراست

اگرز آیه تطهیر پیکری سازند***خدا گواست که روح مظهرش زهراست

البته در بسیاری از کتب ادعیه و زیارات نیز، آن حضرت را با همین عنوان مورد خطاب قرار می دهیم، که برای نمونه به قسمتی از آن، که در

ص: 88

1- بحار الأنوار، ج 13، ص 184، ح 19 و ج 91، ص 8، ح 10؛ التفسیر الإمام الحسن العسکری علیه اسلام، ص 261، ح 129.

کتاب شریف مصباح المتہجد مرحوم شیخ طوسی قدس سرہ نقل شدہ، اشارہ می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. (1)

خدای خلقت آفرین، بخود بگفت آفرین *** ز خلقت حبیبہ اش، همسر شاہ مؤمنین

کرده خدا چه خلقتی، کہ بی نظیر و بی قرین *** مخزن عفت و حیا، فخر نساء عالمین

ص: 89

1- _ بحار الأنوار، ج 97، ص 195، ح 12؛ مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 711.

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سید و سرور هستند

مرحوم علامه مجلسی قدس سره روایتی را از انس بن مالک نقل نموده که گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم.

أَنَا وَحَمْرَةٌ وَجَعْفَرٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ.

من و حمزه و جعفر و علی و حسن و حسین و مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (1)

من کیم سالار دینم من کیم سر مبینم *** من کیم خصم ستمگر من کیم حق را معینم

من کیم عین الحیاتم من کیم ماء معینم *** من کیم، الله را نور سماوات و زمینم

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، از جناب حسن بن شاذان واسطی نقل نموده که گفت: من نامه ای به محضر حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نوشتم و از ناسازگاری و تعدی مردم «واسط» که از پیروان عثمان بودند و به من آزار می رساندند، به آن حضرت شکایت نمودم، پس ایشان به خط مبارکشان جواب فرمودند:

ص: 90

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ أَخَذَ مِيثَاقَ أُولِيئِنَّا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ، فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ، لَقَالُوا: «يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (1).

همانا خداوند بلند مرتبه از دوستان ما عهد و پیمان گرفته که در دوران حکومت باطل، شکیبایی و صبر پیشه سازند، پس در برابر حکم پروردگارت صبر کن، که چون سرور و آقای مردم قیام کند، (پیروان باطل را از قبر بیرون آورده و انتقام دوستان مظلوم ما را از آنها می گیرد)، در آن هنگام آن ها می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است آنچه خدای

رحمان وعده کرده بود، و پیامبران راست می گفتند» (2).

هرچه کردم بنویسم ز تو مدح و سخنی *** تا بگویم ز مقام تو که یا بن الحسنی

این قلم یار نبود و فقط این جمله نوشت *** پسر حیدر کرار تو ارباب منی

ص: 91

1- _ سورة یس، آیه 52.

2- _ بحار الأنوار، ج 53، ص 89، ح 87؛ الکافی، ج 8، ص 247، ح 346.

اشاره

این ویژگی حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا، هم از آیه مبارکه تطهیر اثبات می شود و هم با بررسی روایات متعدد و دقت در زیارات وارده از حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، می توانیم طهارت و پاکی آن حضرت را استنباط کنیم.

الف) در آیه تطهیر

آیه مبارکه تطهیر دلیل محکمی است بر پاکی و طهارت آن حضرت، از هرگونه رجس و پلیدی، که خدای متعال می فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (1).

همانا خداوند اراده فرموده که ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه قرار بدهد.

فاطمه یعنی تمام هستی هستی آفرین ***فاطمه یعنی بهشت رحمة للعالمین

ص: 92

فاطمه یعنی حجاب و عصمت و تقوا و دین***فاطمه یعنی چراغ آسمانها در زمین

به اجماع فریقین مراد از اهل بیت، پنج تن آل عبا عَلَیْهِمُ السَّلَامُ هستند، که حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا یکی از آن ها می باشند.

از ابو سعید خدری در باره آیه تطهیر نقل شده که گفت:

جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ، ثُمَّ أَدَارَ عَلَيْهِمُ الكِسَاءَ، فَقَالَ: هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ را نزد خود جمع کردند و سپس آن ها با عبا پوشاندند و فرمودند: اینان اهل بیت من هستند، خداوندا! پلیدی را از ایشان دور ساز و آن ها را پاک و پاکیزه گردان. (1)

فاطمه، ای دست حق در دست تو***فاطمه، ای هست ما از هست تو

عرش حق از نام تو زینت گرفت***پاکی از مهر تو هر طینت گرفت

ص: 93

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب شریف الأمالی، روایتی را از ابو حمراء نقل نموده که گفت: من شاهدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلّم به مدت چهل صبح به در خانه حضرت علی و فاطمه (علیهما السلام) می آمدند و دو طرف در را می گرفتند و می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، الصَّلَاةُ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد! نماز به پا دارید، که خداوند شما را رحمت کند! «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (1).

ای که در تصویر انسان زیستی ***کیستی تو کیستی تو کیستی

فوق هر تعریف و هر تفسیر هم ***پاک تر از آیه تطهیر هم

(ب) در روایات

حضرت فاطمه سلام الله علیها به اراده و خواست خدای متعال، از خونریزی های زنانه (حیض و نفاس) پاک می باشند، لذا در روایات بسیاری از ائمه اطهار علیهم السلام به این مطلب تصریح شده است و آن حضرت به معنی واقعی

ص: 94

کلمه، طاهره و پاک می باشند و پیکر مطهرشان نه در زمان حیات و نه پس از مرگ، همچون دیگر مردم، نجس نخواهد شد و لمس پیکر پاکشان غسل ندارد، و ما در این قسمت به بعضی از این روایات اشاره می نماییم:

محبّ الدین طبری شافعی در کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السّلام، از اسماء بنت عمیس نقل نموده که گفت: من در هنگام تولّد حسن علیه اسلام، برای حضرت فاطمه سّلام الله علیها قابله بودم، و از ایشان هیچ خونی ندیدم، لذا به رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم عرض کردم: ای رسول خدا! در فاطمه هیچ خونی از حیض و نفاس نمی بینم!

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ ابْنَتِي طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ، لَا يُرَى لَهَا دَمٌ فِي طَمْثٍ وَلَا وِلَادَةٍ.

مگر نمی دانی که دخترم فاطمه پاک و پاکیزه است و او در هنگام حیض و زایمان، خون ندیدم. (1)

نام زهرا نام افلاکی بود*** کهکشان عصمت و پاکی بود

نام زهرا ذکر اهل دل بود*** نام زهرا حل هر مشکل بود

ص: 95

1- _ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السّلام، ج 1، ص 197؛ صحیفة الإمام الرضا علیه اسلام، ص 90، ح 16.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام از قول پدران بزرگوارشان علیهم السلام فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، الطَّاهِرَةَ لِبَطْهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ، وَ مَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حُمْرَةً وَلَا نَفَاسًا.

همانا فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را چون از هر گونه پلیدی و گناه پاک بود، طاهره نامیدند، و او هرگز خون حیض و نفاس ندید. (1)

نه مثل ساره ای و مریم، نه مثل آسیه و حوا

فقط شبیه خودت هستی، فقط شبیه خودت زهرا

اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه شب قدری

شبیه آیه تطهیری، شبیه سوره «اعطینا»

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب الأمالی، روایتی را از ابو بصیر نقل نموده که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل تا زمانی که حضرت فاطمه سلام الله علیها در قید حیات بودند، زندهای دیگر را بر حضرت علی علیه السلام حرام کرده بود؛ ابو بصیر می گوید: عرض کردم: چرا؟ حضرت فرمودند:

ص: 96

لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ.

زیرا او طاهره ای بود که هیچگاه حیض نمی شد. (1)

البته پاکی و طهارت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا را از اسم شریف ایشان نیز می توانیم استنباط کنیم، چرا که اسامی آن حضرت با مستمی می باشد و هر کدام از آن ها به منزلت و کمال ظاهری و باطنی آن بزرگوار، اشاره دارد و یکی از اسامی نُه گانه ایشان، «طاهره» است.

سلام ای زهره رخشنده زهرا*** سلام ای شمع افروزنده زهرا

سلام ای مظهر تطهیر و پاکی*** سلام ای گوهر دنیای خاکی

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب الأمالی، روایتی را از یونس بن ظبیان نقل فرموده که حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

لِفَاطِمَةَ سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَاطِمَةُ، وَ الصِّدِّيقَةُ، وَ الْمُبَارَكَةُ، وَ الطَّاهِرَةُ، وَ الزَّكِيَّةُ، وَ الرِّضِيَّةُ، وَ الْمَرْضِيَّةُ، وَ الْمُحَدَّثَةُ، وَ الزَّهْرَاءُ.

برای حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا نُه اسم در نزد خداوند عزوجل می باشد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدثه و زهرا. (2)

ص: 97

-
- 1- _ الأمالي (للطوسي)، ص 43، مجلس 2، ح 17؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 153، ح 12.
 - 2- _ الأمالي (للصدوق)، ص 592، مجلس 86، ح 18؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 153، ح 12.

مرحوم شیخ مفید در کتاب المزار خود، زیارت مختصری برای حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا نقل فرموده که به قسمتی از آن اشاره می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، السَّلَامُ عَلَى ابْنَتِكَ الصَّديقَةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَيُّهَا الْبَتُولُ الشَّهِيدَةُ الطَّاهِرَةُ.

سلام بر شما ای رسول خدا، سلام بر دختر شما راستگوی پاک و پاکیزه، سلام بر شما ای فاطمه دختر رسول خدا، ای سرور و بانوی زنان جهان، ای بتول، ای شهیده، ای طاهره. (1)

فاطمه، ای پاک بانوی بهشت***بر مشام آید ز تو بوی بهشت

فاطمه، ای شاهکار ذوالجلال***کوثر عشقی و خورشید کمال

مرحوم ابن قولویه قمی قدس سره در کتاب کامل الزیارات، زیارتی را از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل نموده که آن حضرت به ابو حمزه ثمالی آداب مفصل زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را بیان فرموده که در فرازی از آن می خوانیم:

ص: 98

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَ أُمَّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ الصَّادِقَةِ الزَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ.

خداوندا! بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر ولایت و مادر دو نوه پیامبرت یعنی حسن و حسین علیهم السلام درود بفرست، که او پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته و سرور تمام زنان اهل بهشت است. (1)

همچنین شبیه آن را در بخشی از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام می خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَ أُمَّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الزَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ.

خدایا! بر فاطمه دختر پیامبرت و همسر ولایت و مادر دو نوه پیامبرت یعنی حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستید، رحمت و درود بفرست، که او «فاطمه» پاک و پاکیزه و

ص: 99

1- بحار الأنوار، ج 98، ص 179، ح 30؛ کامل الزیارات، ص 231، ح 17.

پاک کننده، پرهیزکار و مقدّس، راضیّه و مرضیّه، و شایسته و لایق و سرور تمام بانوان اهل بهشت است. (1)

توصیف تو برتر از عقول و ادراک*** در مدح تو خالق تو گفته لولاک

بی فاطمه ام نمی شد هرگز ممکن*** خلق علی و احمد و خلق افلاک

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پاک و پاکیزه هستند

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی طولانی را بیان فرموده که در قسمتی از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طهارت و پاکی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَكَّبَ فِي صَلْبِ الْحَسَنِ نُظْفَةَ مُبَارَكَةَ زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ تَعَالَى مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَيَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ.

همانا خداوند تبارک و تعالی در صلب حسن (یعنی امام حسن عسکری علیه اسلام) نطفه ای قرار داد که مبارک، پاک، پاکیزه، پاک کننده و پاکیزه شده است، و هر مؤمنی که خداوند از او پیمان

ص: 100

1- _ عیون أخبار الرضا علیه اسلام، ج 2، ص 268، باب 68، ح 1؛ کامل الزیارات، ص 310، باب 102، ح 2.

ولایت گرفته باشد، از او خشنود می شود و هر کس او را انکار کند، کافر می شود. (1)

برای عرض ارادت به ساحت نرگس*** رسیده حضرت مریم به خدمت نرگس

عزیز عسکری و جان حضرت نرگس*** نظر به چهره ماهش عبادت نرگس

حسن جمال و حسن سیرت و حسن سکنت*** به شادی دل مهدی و مادرش صلوات

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب الغیبه، روایتی را از ابو بصیر نقل نموده که گفت: حضرت امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند: هنگامی که سلمان؟ رض؟ وارد کوفه شد و به آن شهر نظر افکند، بلاهای آن جا (که پس از آن واقع می شود) را برای مردم بیان کرد، تا این که حکومت بنی امیه و خلفای بعد از آنها را نیز یادآور شد، سپس فرمود:

ص: 101

1- بحار الأنوار، ج 36، ص 207، ح 8 و ج 52، ص 310، ح 4 و ج 91، ص 187، ح 1؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 267، ح 11.

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ، فَالزُّمُوا أَحْلَاسَ بُيُوتِكُمْ، حَتَّى يَظْهَرَ الطَّاهِرُ بِنِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ ذُو الْغَيْبَةِ الشَّرِيدِ الطَّرِيدِ.

پس هنگامی که این گونه شد، با گلیم خانه هایتان به سر برید، تا آن پاکیزه فرزند پاکیزه و پاک سرشت، که صاحب غیبت است و آواره و از وطن و بستگانش دور افتاده است، آشکار شود. (1)

خدا کند که بیابم نشان مهدی را*** نشان دهم به همه دوستان مهدی را

به عالمی ندهم قرص نان مهدی را*** دوباره زنده کنم گفتمان مهدی را

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، دعائی را از شیخ ابو جعفر عمری نقل نموده (دعای اللّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ ... که سفارش شده در زمان غیبت بخوانید) و در فرازی از آن می خوانیم:

اللّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ، وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ، وَ أَعِنُّهُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ، وَ زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي وَ الْمُهْتَدِي وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ
التَّقِيُّ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّكُورُ.

خداوندا! بر عمرش بیفزای و مهلتش را طولانی کن و او را بر آنچه وعده دادی و رعایتش نمودی یاری نما، و بر کرامت نسبت به او بیفزای که همانا او هادی و هدایت شده و قیام کننده و مهدی و

ص: 102

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 126، ح 19؛ لغیبة (للطوسي) كتاب الغيبة للحجة، ص 163.

پاک و با تقوی و پاکیزه و منزّه و راضی و مرضی و صابر و تلاشگر و سپاسگزار است. (1)

هر دو بزرگوار محدّث هستند

1_ حضرت فاطمه سلام الله علیها محدّثه هستند

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل نموده که ایشان در تعریف رسول، نبی و محدّث فرمودند:

الرَّسُولُ الَّذِي يَطْهَرُ لَهُ الْمَلَكُ فَيَكَلِّمُهُ، وَالنَّبِيُّ هُوَ الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ وَرُبَّمَا اجْتَمَعَتِ التُّبُوَّةُ وَالرَّسَالَةُ لِوَاحِدٍ، وَالْمُحَدَّثُ الَّذِي يَسْمَعُ الصَّوْتَ وَلَا يَرَى الصُّورَةَ.

رسول کسی است که فرشته بر او نمایان می شود و با او سخن می گوید، و نبی آن کسی است که در خواب می بیند و گاهی نبوت

ص: 103

1- بحار الأنوار، ج 53، ص 187، ح 18 و ج 92، ص 328، ح 3؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 513، ح 43.

و رسالت در یک شخص جمع می شود، و محدث کسی است که صدا را می شنود ولی صورت را نمی بیند. (1)

کیستی تو بهشت بابایی***سوره قدر و نور و طوبایی

ما همه ذره و تو خورشیدی***ما همه قطره و تو دریایی

راضیه، مرضیه، محدثه ای***مطلع الفجر زهره، زهرا ی-ی

جناب سلیم بن قیس هلالی گوید: از محمد بن ابی بکر پرسیدم: آیا ملائکه با امیر المؤمنین علیه السلام سخن می گفتند؟

قَالَ: نَعَمْ، وَكَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا مُحَدِّثَةً وَ لَمْ تُكُنْ نَبِيَّةً، وَ مَرْيَمُ كَانَتْ مُحَدِّثَةً وَ لَمْ تُكُنْ نَبِيَّةً، وَ أُمُّ مُوسَى مَا كَانَتْ نَبِيَّةً وَ كَانَتْ مُحَدِّثَةً، وَ كَانَتْ سَارَةَ امْرَأَةَ إِبْرَاهِيمَ قَدْ عَايَنَتِ الْمَلَائِكَةَ فَبَشَّرُوَهَا «بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (2)، وَ لَمْ تُكُنْ نَبِيَّةً.

گفت: آری، ملائکه با حضرت فاطمه سلام الله علیها هم سخن می گفتند، با آنکه او پیامبر نبود؛ ملائکه با مریم علیها السلام هم سخن گفتند با آنکه او پیامبر نبود؛ مادر حضرت موسی؟ عهما؟ هم پیامبر نبود ولی ملائکه با او سخن گفتند؛ ساره همسر حضرت ابراهیم؟ عهما؟ ملائکه را دید و

ص: 104

1- بحار الأنوار، ج 26، ص 77، ح 31؛ الکافی، ج 1، ص 177، ح 4.

2- سوره هود، آیه 71.

او را به اسحاق و بعد از او به یعقوب بشارت دادند در حالی که او نیز پیامبر نبود. (1)

نور، از روز ازل خلق شد از جلوه رویت***حور، پیوسته برد سجده به خاک سر کویت

همه اعضا بود آیه، تو خود مصحف نوری***غرق در بوسه احمد شده دست و سر و رویت

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب علل الشرایع، همین روایت را با کمی اختلاف بیان فرموده است. (2)

و همچنین ایشان در همان کتاب، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که ایشان در بیان علت این که به حضرت فاطمه سلام الله علیها محدثه می گویند، می فرمایند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهَا مُحَدَّثَةٌ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ، فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ!

ص: 105

1- کتاب سلیم بن قیس الہلالی، ج 2، ص 824، ح 37.

2- بحار الأنوار، ج 43، ص 79، ح 66؛ علل الشرائع، ج 1، ص 183، باب 146، ح 2.

«اللَّهُ اصَّبَ طَفَاكٍ وَ طَهَّرَكَ وَ اصَّبَ طَفَاكٍ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (1)، يَا فَاطِمَةُ! «اِقْتَبِي لِرَبِّكَ وَ اسْبُجِدِي وَ اِزْكَعِي مَعَ الرَّاِكِعِينَ» (2)، فَتَحَدَّثُ لَهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ: أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ؟ فَقَالُوا: إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.

همانا حضرت فاطمه سلامُ الله عَلَيْهَا از آن جهت محدثه نامیده شد که فرشتگان بر او فرود می آمدند و با او گفتگو می کردند، همان طور که با جناب مریم دختر عمران گفتگو می کردند، پس آنها به حضرت فاطمه سلامُ الله عَلَيْهَا می گفتند: ای فاطمه! همانا خداوند تو را برگزیده، و از پلیدی ها تطهیر نموده، و تو را بر زنان دو عالم برتری داده است، ای فاطمه! خدایت را سپاسگزار بوده و او را عبادت نما. پس فرشتگان با یکدیگر و با آن حضرت گفتگو می کردند، و شیعی حضرت فاطمه سلامُ الله عَلَيْهَا به آنها گفت: آیا آنکه در این آیه، نسبت به زنان دو عالم، فضیلت و برتری داده شده، مریم دختر عمران نبوده است؟

ص: 106

1- _ سورة آل عمران، آیه 42.

2- _ سورة آل عمران، آیه 43.

و فرشتگان گفتند: مریم بزرگ و برگزیده زنان زمان خود بوده، ولی خداوند عزوجل تو را بر تمامی زنان دو عالم از اولین تا آخرین ایشان، برتری بخشیده است. (1)

تو کیستی؟ تمام بهشت پیمبری***نه، از بهشت هم به مشامش نکوتری

پاکیزه ترز آیه تطهیر دیدمت***صدیقه، زهره، فاطمه، زهراى اطهرى

مرحوم شیخ ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار قمی در کتاب بصائر الدرجات، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت در پاسخ به سؤالی در باره مصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها، به نزول جبرئیل علیه اسلام بر آن حضرت و گفتگوی با ایشان اشاره می فرمایند:

إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَتَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا، وَقَدْ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا، وَكَانَ جَبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا، فَيَحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَيُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخَبِّرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَمَكَانِهِ، وَ

ص: 107

1- بحار الأنوار، ج 43، ص 78، ح 65؛ علل الشرائع، ج 1، ص 182، باب 146، ح 1.

يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا، وَكَانَ عَلَيَّ يَكْتُبُ ذَلِكَ، فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ.

همانا حضرت فاطمه سلام الله علیها پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هفتاد و پنج روز در حزن و اندوه شدید زندگی کردند، و در این مدت جبرئیل نزد ایشان می آمد و آن حضرت را در عزای پدرشان تسلی و دلداری می داد، و از جایگاه نیکویی که پدرشان در آن قرار دارند خبر می داد، و از آنچه که پس از ایشان برای ذریه اش اتفاق خواهد افتاد خبر می داد، و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ همه آن اخبار را می نوشتند، پس این همان مصحف فاطمه سلام الله علیها است. (1)

پای تا سر پیمبری زهرا***رکن قرآن و حیدری زهرا

منجلی از تو نور کلّ علوم***ای تمامی چارده معصوم

و باز ایشان در همان کتاب، روایت دیگری را در همین موضوع نقل نموده که وقتی از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در باره مصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها می پرسند، ایشان می فرمایند:

ص: 108

1- بحار الأنوار، ج 43، ص 78، ح 65؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج 1، ص 154، ح 6.

هنگامی که خدای متعال پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را قبض روح فرمود، به خاطر این مصیبت، غم و اندوه عجیبی حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا را فرا گرفت که جز خدای عزوجل کسی از شدت آن، باخبر نبود،

فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مَلَكًا يُسَلِّي عَنْهَا غَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا، فَشَكَتْ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهَا: إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكَ فَسَمِعْتِ الصَّوْتِ فَقُولِي لِي، فَأَعْلَمْتُهُ فَجَعَلَ يَكْتُبُ كُلَّمَا سَمِعَ، حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَلَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ.

به همین جهت خدای متعال فرشته ای را برایش فرستاد تا او را دلداری دهد و با او سخن بگوید، پس حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا این مطلب را به حضرت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ گزارش دادند، پس حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: هنگامی که آمدن فرشته را احساس کردید و صدایش را شنیدید، به من بگویید، پس حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهُ عَلَيْهَا به امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ خبر می دادند و آن حضرت هر چه می شنیدند می نوشتند، تا آنکه از ثبت آن سخنان، مصحفی آماده شد. حضرت فرمودند: سپس امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: آگاه باشید که در

آن مصحف چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه در آن علم به حوادث آینده است. (1)

ای سر نهفته ای که مستوری***وی راز نگفته ای که مشهوری

طوبائی یا بهشت یا کوثر***انسانی یا فرشته یا حوری

قابل توجه است که مرحوم محمد بن جریر بن رستم طبری آملی مازندرانی در کتاب دلائل الإمامة، روایتی را از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده که آن حضرت می فرماید:

خداوند به سه ملک مقرب خودش یعنی جبرئیل، میکائیل و اسرافیل، فرمان داد تا از طرف او به حضرت فاطمه سلام الله علیها سلام کنند و مصحف فاطمه را به دست ایشان برسانند و با او به گفتگو پردازند:

فَيَنْزِلُوهَا بِهَا عَلَيْهَا، وَذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثُّلُثِ الثَّانِي مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهَا عَلَيْهَا وَهِيَ قَائِمَةٌ تُصَلِّي، فَمَا زَالُوا قِيَامًا حَتَّى قَعَدَتْ، فَلَمَّا فَرَغَتْ مِنْ صَلَاتِهَا سَلَّمُوا عَلَيْهَا، وَقَالُوا لَهَا: السَّلَامُ يُقْرَأُ بِكَ السَّلَامُ. وَوَضَعُوا الْمُصْحَفَ فِي حَجْرِهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ: اللَّهُ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَيْكُمْ يَا رُسُلَ اللَّهِ السَّلَامُ.

ص: 110

1- بحار الأنوار، ج 43، ص 80، ح 68؛ بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، ج 1، ص 157، ح 18.

و این قضیه در نیمه شب جمعه اتفاق افتاد، و آنان در حالی فرود آمدند که آن بانو مشغول اقامه نماز بودند، پس هنگامی که نمازشان تمام شد، آن ها به حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا عرض سلام کردند و به ایشان گفتند: (خداوند) بر تو سلام می فرستد، و آنگاه مصحف را به وی تحویل دادند.

حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا پس از تحویل مصحف گفتند: بر خدا باد سلام، و از اوست سلام، و برای اوست سلام، و بر شما باد سلام، ای فرستادگان خدا. (1)

هزار بار بشویم لب از شراب طهور*** که آورم به زبان نام آن صحیفه نور

زکّیه، طاهره، انسّیه، فاطمه، زهرا*** که در سپهر به منصوره آمده مشهور

اگر نه آینه کبریاست از چه سبب*** قیام کرد رسول خدا و را به حضور

ز خلد مانده آرد به احترام تمام*** اگر دهد به فرشته کنیز او دستور

حتّی در زیارت حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا به «محدّثه» بودن ایشان اشاره شده است، و مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب الاحکام، زیارت آن حضرت را نقل نموده که در فرازی از آن می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ.

ص: 111

سلام بر شما ای کسی که فرشتگان با او حرف زده اند و ای عالم و دانا. (1)

البته حضور ملائکه و بخصوص جبرئیل علیه اسلام در محضر حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا و گفتگوی با ایشان، حتّی تا لحظات پایانی عمر شریفشان بوده است، که مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الانوار، روایتی را از جناب زید بن علی؟ عهما؟ نقل نموده که گفت:

أَنَّ فَاطِمَةَ سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا لَمَّا احْتَضَرَتْ سَلَّمَتْ عَلَى جِبْرِئِيلَ وَعَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ سَلَّمَتْ عَلَى مَلِكِ الْمَوْتِ، وَ سَمِعُوا حَسَّ الْمَلَائِكَةِ، وَ وَجَدُوا رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَطْيَبِ مَا يَكُونُ مِنَ الطَّيِّبِ.

هنگامی که حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا محتضر شدند و لحظات آخر عمر شریفشان فرا رسید، آن بانو به جبرئیل و حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سلام کردند و سپس به ملک الموت سلام کردند، و حاضرین برآز احساسات ملائکه را شنیدند و در آن لحظه بوی خوشی را استشمام نمودند که چنین بوی عطری را تا آن لحظه استشمام نکرده بودند. (2)

ص: 112

1- بحار الأنوار، ج 97، ص 195، ح 12؛ تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج 6، ص 10، ح 12.

2- بحار الأنوار، ج 43، ص 200، ذیل ح 30.

2_ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث هستند

با بررسی روایات در این موضوع، به این نتیجه می‌رسیم که همه حضرات ائمه اطهار علیهم السلام محدث بوده‌اند و ملائکه با آن‌ها گفتگو و ارتباط داشته‌اند، لذا در این قسمت ابتدا به چند روایت که افاده عموم ائمه علیهم السلام را دارد اشاره می‌کنیم:

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از محمد بن اسماعیل نقل نموده که گفت: از حضرت ابا الحسن علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

الْأئِمَّةُ عُلَمَاءُ صَادِقُونَ مُفَهَّمُونَ مُحَدَّثُونَ.

ائمه علیهم السلام، دانشمندان، راستگویان، فهمیدگان و محدثان هستند. (1)

ای صفابخش و شفابخش دل و جان همه*** ای طیب همه ای داروی درمان همه

همه پروانه و تو شمع فروزان همه همه*** جان باخته عشق تو جانان همه

ص: 113

1- _ همان، ج 1، ص 281، ح 3.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را نقل نموده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به ابن عباس فرمودند: همانا شب قدر در هر سالی هست، و در آن شب، امر یک سال نازل می شود و برای این امر، والیانی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وجود دارد، ابن عباس عرض کرد:

مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صَلْبِي أُمَّةٌ مُّحَدَّثُونَ.

آن ها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: من و یازده نفر که از صلب من می باشند، همه پیشوایانی هستند که فرشتگان با آن ها سخن می گویند. (1)

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، روایتی را نقل نموده که حضرت امام رضا علیه السلام علامت هایی که مخصوص امام معصوم است را بیان می کنند، تا اینکه می فرمایند:

وَلَا يَحْتَلِمُ وَيَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَيَكُونُ مُّحَدَّثًا.

او هیچگاه محتمل نمی شود و در حالی که چشمانش به خواب می رود، قلبش همیشه بیدار است و فرشتگان با او سخن می گویند. (2)

ص: 114

-
- 1- کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 305، باب 26، ح 19.
 - 2- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 213، باب 19، ح 1.

اما اینک به روایاتی می پردازیم که در آن ها به محدث بودن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره شده است:

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل نموده که فرمودند:

مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ نَبِيًّا نُجَبَاءٌ مُّحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا.

از بین فرزندان من، دوازده نقیب اند که همه نجیب، محدث و آموزش یافته و صاحب فهم هستند، آخرین آنها قائم بحق است، که زمین را از عدالت پر می کند همان طور که از ظلم و ستم پر شده است. (1)

ای جان جهان بسته به یک نیم نگاهت***دل گشته چو گل سبز به خاک سر راهت

هم بام فلک پایگه قدر و جلالت***هم چشم ملک خاک قدم های سپاهت

ص: 115

مرحوم شیخ محمد بن ابراهیم نعمانی قدس سره در کتاب الغیبة، روایتی را از حضرت امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل نموده که فرمودند:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُحَدَّثًا، السَّابِعُ مِنْ وُلْدِي الْقَائِمِ.

از ما (اهل بیت) دوازده محدث می باشد، که هفتمین فرزند من همان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. (1)

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار، روایتی را از حضرت امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ این گونه نقل نموده: هنگامی که ابو جارود از آن حضرت در باره «حضرت صاحب الأمر» سؤالی پرسید، آن حضرت فرمودند: امر امامت شب و روز به او وحی می شود، عرض کرد: ای ابو جعفر! آیا به او وحی می شود؟ حضرت فرمودند:

يَا بَا جَارُودِ! إِنَّهُ لَيْسَ وَحْيِي نُبُوَّةً، وَلَكِنَّهُ يُوحَى إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَإِلَى أُمِّ مُوسَى وَإِلَى النَّحْلِ؛ يَا بَا الْجَارُودِ! إِنَّ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَأَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأُمِّ مُوسَى وَالنَّحْلِ.

ای ابو جارود! همانا منظور از وحی، وحی نبوت نیست، بلکه به او وحی می شود همان گونه که به مریم دختر عمران و به مادر موسی و به زنبور عسل وحی شده است؛ ای ابو جارود! همانا قائم آل

ص: 116

1- _ بحار الأنوار، ج 36، ص 395، ح 11؛ الغیبة (لنعمانی)، ص 96، ح 28.

محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نزد خداوند، از مریم دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل، گرامی تر است. (1)

سر می نهم به پای تو یا صاحب الزمان***جان می کنم فدای تو یا صاحب الزمان

تقدیم می کنم سرو جان را ز فرط شوق***گربش نوم صدای تو یا صاحب الزمان

عنايت هر دو بزرگوار به زوار امام حسين عليه السلام

اشاره

1_ عنايت حضرت فاطمه سلام الله عليها به زائران حسيني

یکی از راه ها و روش های رسیدن به فیوضات الهی و کسب ثواب های فراوان، زیارت ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بویژه زیارت حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می باشد، که هم آثار و برکات دنیوی دارد و هم عامل سعادت، شفاعت و در نهایت رسیدن به مقام قرب پروردگار می باشد.

ص: 117

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 389، ح 209.

در تعدادی از این روایات به یکی از هزاران ثواب و فایده زیارت حضرت امام حسین علیه اسلام، اشاره شده که آن، خشنودی و دعای حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در حق آن زائر می باشد.

مرحوم ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق عَلِيهِ السَّلَامُ نقل نموده که ایشان به معاویه بن وهب سفارش کردند که مبادا به خاطر ترس، زیارت امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ را ترک کنی! که هر کس آن را ترک کند، آن چنان حسرتی بخورد که آرزو می کند ای کاش مرقد آن حضرت در نزد او بود. (تا همیشه زیارتش کند)

أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَرَى اللّهُ شَخْصَكَ وَ سَوَادَكَ فِيمَنْ يَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

آیا دوست نداری که خداوند تو را جزء آن کسانی ببیند که رسول خدا صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ و حضرت علی و حضرت فاطمه و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، برای آنها دعا می کنند. (1)

یا فاطمه از اشک ترا می خواهیم***بیمارتو هستیم و دوا می خواهیم

هرکس پی حاجتی رود بر در دوست***ما از تو برات کربلا می خواهیم

ص: 118

و باز ایشان در همان کتاب، روایت دیگری را از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل نموده که فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَحْضُرُ لِرُؤَاةِ قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ.

همانا حضرت فاطمه عَلَيْهِ السَّلَام دختر حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به خاطر زائران قبر فرزندش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام حاضر شده، سپس برای گناهان آن ها طلب مغفرت و آمرزش می نماید. (1)

گربرات کربلایم را به دستانم دهی *** جان زهرا تا قیامت وامدارت می شوم

چون قسم دادم تو را بر نام زهرا مادرت *** مطمئناً شامل لطف و عطایت می شوم

همچنین در همان کتاب، روایتی را از صفوان جمال نقل نموده که گفت: در مسیر مدینه تا مکه در محضر حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام بودم، که ایشان آثار و فوائدی که خداوند شامل زائر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می کند را بیان می کردند، تا این که فرمودند:

ص: 119

وَلَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَمَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَرَحِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالشُّهَدَاءَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، وَمَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دُعَائِهِمْ لَهُ وَمَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الثَّوَابِ فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ وَالْمَدْخُورِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ لِأَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَا تَمَّ دَارُهُ مَا بَقِيَ.

اگر زائر امام حسین علیه السلام می دانست که با این زیارتش چه شادمانی و خرسندی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به امیرالمؤمنین و به فاطمه و به امامان علیهم السلام و شهدای از ما اهل بیت می رسد، و از دعای ایشان چه چیزهایی برایش حاصل می گردد، و چه ثوابی در دنیا و آخرت به او خواهد رسید، و چه پاداشی برای او نزد خداوند ذخیره شده است، هر آینه دوست می داشت که تا پایان عمر، خانه اش نزد آن حضرت باشد. (تا)

مرتب به فیض زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نائل گردد(1)

دلم برای شما غرق آه و غم شده است*** نسیم رحمتتان باز شاملم شده است

ص: 120

دعای فاطمه در حق من اثر کرده***غلامی در این خانه قسمت شده است

کسی که قطره اشکی برای تو ریزد***به چشم حضرت زهرا چه محترم شده است

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار، داستان عجیبی را از سلیمان اعمش نقل فرموده که گفت: من در کوفه بودم و همسایه ای داشتم که گاهی نزد او می رفتم و با هم گفتگو می کردیم؛ یک شب جمعه ای نزد او رفتم و گفتم: نظر تو درباره زیارت حسین علیه السلام چیست؟ گفت: بدعت است، و هر بدعتی

گمراهی است و هر شخص گمراهی اهل جهنم خواهد بود.

سلیمان گفت: من در حالی که به شدت خشمناک شده بودم برخاستم و با خود گفتم: من در وقت سحر نزد او برمی گردم و قدری از فضائل و مناقب امام حسین علیه السلام را برایش شرح می دهم؛ اگر دیدم در دشمنی خود اصرار دارد، او را به قتل می رسانم.

وقتی هنگام سحر فرارسید، متوجه آن همسایه شدم و در خانه اش را کوبیدم و او را با نامش صدا زدم، ناگهان همسرش به من گفت: شوهرم از اول شب به قصد زیارت حسین علیه اسلام، به کربلا رفته است.

سلیمان گفت: من هم به دنبال او متوجه قبر مقدس امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ شدم، پس هنگامی که داخل حرم شدم، دیدم که او در حال سجده، دعا، گریه، توبه و استغفار است! پس از مدتی طولانی، سرش را از سجده برداشت و مرا نزدیک خود دید.

پس من به او گفتم: ای پیرمرد! تو دیروز می گفتی زیارت حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر شخص گمراهی در دوزخ خواهد بود؛ ولی امروز آمده ای و آن حضرت را زیارت می کنی!؟

او گفت: ای سلیمان! مرا سرزنش مکن، زیرا من کسی بودم که معتقد به امامت اهل بیت رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نبودم، تا این که دیشب فرا رسید و خوابی دیدم که مرا متحیر کرد و دچار هول و هراس شدم.

به او گفتم: ای شیخ! مگر چه خوابی دیدی!؟ گفت: مرد جلیل القدری را دیدم که معتدل بود، نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه، و من از توصیف عظمت جلال و جمال و قدر و کمال او عاجزم، او با گروه هایی که در اطرافش بودند به سرعت در حرکت بود، و در جلوی او سواری بود که تاجی بر سر داشت، و آن تاج چهار رکن داشت که در هر رکنی یک گوهر بود، که مسافت سه روز راه را، روشن می نمود.

من به یکی از خادمان او گفتم: این شخص کیست؟ گفت: حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم هستند، گفتم: آن شخص دیگر کیست؟ گفت: علی مرتضی علیه السلام هستند، که وصی ایشان می باشند.

سپس به دقت نظر کردم، پس ناگهان ناچه ای از نور دیدم که هودجی از نور بر پشت آن بود، در میان آن هودج دو خاتون بودند، و آن ناچه در بین آسمان و زمین پرواز می کرد.

من گفتم: این ناچه از کیست؟ پس گفت: از خدیجه کبری و فاطمه زهرا (علیهما السلام) است، گفتم: این کودک کیست؟ گفت: این حسن بن علی (علیهما السلام) است، گفتم: این ها همه با هم کجا می روند؟ گفت: برای زیارت مقتول مظلوم، شهید کربلا، حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) می روند.

پس من تصمیم گرفتم به سوی هودج حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بروم، ناگهان دیدم رقعہ هایی که چیزی در آنها نوشته شده بود، از آسمان فرو می ریزد. پس پرسیدم این رقعہ ها چیست؟ گفت:

هَذِهِ رِقَاعٌ فِيهَا أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لِرُؤَاةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ، فَطَلَبْتُ مِنْهُ رُقْعَةً، فَقَالَ لِي: إِنَّكَ تَقُولُ زِيَارَتَهُ بِدَعَةٍ، فَإِنَّكَ لَا تَتَأَلَّهَا حَتَّى تَزُورَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَعْتَقِدَ فَضْلَهُ وَشَرَفَهُ، فَانْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمِي فَرَعَا مَرْعُوبًا وَقَصَدْتُ مِنْ وَقْتِي وَسَاعَتِي إِلَى زِيَارَةِ سَيِّدِي

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا تَائِبٌ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَوَاللَّهِ يَا سُلَيْمَانُ! لَا أَفَارِقُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ حَتَّى يُفَارِقَ رُوحِي جَسَدِي.

این رقعۀها امان نامۀ ای است از دوزخ برای زواری که شب جمعۀ به زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ می روند، پس هنگامی که من امان نامۀ ای را درخواست کردم به من گفت: همانا تو می گویی زیارت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ بدعت است، پس به این امان نامۀ دست نخواهی یافت، مگر موقعی که حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را زیارت کنی و به فضیلت و شرافت آن حضرت معتقد شوی.

پس من در حالی که مضطرب و هراسان بودم، از خواب بیدار شدم و همان لحظۀ قصد زیارت مولایم امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ را نمودم و اکنون در پیشگاه خدا توبه کردم.

پس به خدا قسم! ای سلیمان! من از قبر حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ جدا نمی شوم، تا اینکه روح از بدنم جدا گردد. (1)

تمام حنجره ها نینوای توست حسین***دل شکسته ما کربلای توست حسین

ص: 124

به بام کعبه اگر پا نهم هنوز دلم*** کبوتر حرم باصفای توست حسین

زدست فاطمه گیرد برات آزادی*** کسی که زائر صحن و سرای توست حسین

2_ عنایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زائران حسینی

مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری قدس سره در کتاب نجم الثاقب، حکایتی را از مرحوم حاج علی بغدادی نقل نموده که او در تشریفی، از محضر مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤالاتی را می پرسد و حضرت یکی یکی به آن ها پاسخ می فرماید.

تا اینکه می پرسد:

روضه خوان های امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ می خوانند: که سلیمان اعمش از شخصی سؤال کرد، که زیارت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَامُ چگونه است؟ و او گفت: بدعت است! پس آن شخص در همان شب در خواب دید، که هودجی در میان زمین و آسمان است، سؤال کرد: در آن هودج کیست؟

ص: 125

گفتند: حضرت فاطمه زهرا و خدیجه کبری (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، گفت: به کجا می روند؟ گفتند: چون امشب شب جمعه است، به زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می روند، و دید رقعۀهایی از آن هودج می ریزند که در آنها نوشته شده: (امان نامه ای است از آتش برای زوار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در شب جمعه و امان از آتش روز قیامت). آیا این حدیث صحیح است؟

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند: بله، راست است و مطلب تمام است.

گفتم: ای آقای من! درست است که می گویند: کسی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را در شب جمعه زیارت کند، برای او امان است؟

حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند! و اشک از چشمان مبارکشان جاری شد و گریه کردند. (1)

به یاد غربت ارباب، دل پریشانم *** خوشم که با تو گرفتار روضه ها باشم

ص: 126

1- _ نجم الثاقب، ص 489؛ مفاتیح الجنان، باب زیارات، فضیلت و کیفیت زیارت امامین کاظمین؟ عهما؟، حکایت حاج علی بغدادی.

دلم قرار ندارد بیا و کاری کن***که عاقبت سفری با تو کربلا باشم

هنگامی که در «زیارت ناحیه مقدسه» که از وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر گردیده، به این عبارت حضرت می رسیم:

فَلَيْنُ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورُ، وَ عَاقِبِي عَنْ نَصْرِكَ المَقْدُورُ، وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً، وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ العِدَاوَةَ مُنَاصِياً، فَلَا تُدْبِنَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً، وَ لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا.

پس اگر روزگار، زمان زندگی مرا از تو «ای حسین علیه اسلام» به تأخیر انداخت، و یاری و نصرت تو در کربلا در روز عاشورا نصیب من نشد، اینک من هر آینه صبح و شام به یاد مصیبت‌های تو ندبه می کنم و به جای اشک بر تو، خون گریه می کنم. (1)

به این نتیجه می رسیم که زیارت امام حسین عَلَيهِ السَّلَامُ برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اهمیّت ویژه ای برخوردار است، به طوری که یکی از برنامه های هر روزه آن حضرت، زیارت و اشک و ندبه برای امام حسین عَلَيهِ السَّلَامُ می باشد.

ص: 127

لذا آن حضرت که خود از زائران و گریه کنندگان در مصائب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ هستند، نسبت به زائران و گریه کنان آن حضرت، عنایت خاصی دارند.

مرحوم آیت الله موسوی اصفهانی قدس سره در کتاب مکیال المکارم می فرماید: یکی از دوستان صالح من یاد کرد که: مولایمان حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در خواب دیده بود، پس آن حضرت مضمون چنین مطلبی را به او فرموده بودند:

من برای مؤمنی که مصیبت جدّ شهیدم را یادآور شود، سپس برای تعجیل فرج و تأیید من دعا نماید، دعا می کنم. (1)

دیگر بس است درد فراق ای ضیاء عین*** بر ما بتاب و نور بده شمس عالمین

تا کی کنیم شیون و زاری و شور و شین*** ای یادگار فاطمه و وارث حسین

ص: 128

1_ بیعت نکردن حضرت فاطمه سلامُ اللهُ عَلَیْهَا با غاصبان خلافت

غاصبان خلافت، پس از این که در سقیفه بنی ساعده، به هدف شوم خود دست یافتند، سعی کردند برای مشروعیت بخشیدن به خلافتشان از همه مردم مدینه، به خصوص اهل بیت رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، برای خود بیعت بگیرند، ولی حضرت فاطمه سلامُ اللهُ عَلَیْهَا، همه مصیبت ها را تحمّل نمودند و تا آخرین لحظه عمر مبارکشان، با آن غاصبان بیعت نکرده، بلکه برای بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی اش، مبارزه نمودند.

شکی نیست که حضرت فاطمه سلامُ اللهُ عَلَیْهَا، نه تنها با ابوبکر بیعت نکردند، بلکه در حالی از دنیا رفتند و شهیده شدند که نسبت به او غضبناک و خشمگین بودند و تا پایان عمر با او قهر بودند.

بخاری در کتاب صحیحش می نویسد:

فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ، فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ.

پس فاطمه دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، از ابوبکر ناراحت و روی گردان بود، و این ناراحتی ادامه داشت، تا اینکه از دنیا رفت. (1)

مظلوم تر ندیده جهان از تو و علی *** تاریخ، هست بر سخنم بهترین گواه

تورنج خویش در دل شب می بری به گور *** او راز خود به وقت سحر می برد به چاه

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار، قضیه چگونگی غصب خلافت و جنایت های اهل سقیفه را بیان نموده، تا آن جا که می فرماید: پس از این رخدادها عمر به ابوبکر گفت: بیا نزد فاطمه برویم، ما او را غضبناک نموده ایم.

وقتی آن ها برای عیادت آمدند، و آن حضرت اجازه ورود ندادند، و بالاخره با وساطت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شدند:

ابتدا حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا رویشان را به سمت دیوار برگرداندند، و سپس هنگامی که آن دو سلام کردند، آن حضرت جواب سلامشان را ندادند.

تا آنجا که حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا به آن دو فرمودند:

ص: 130

شما را به خدا سوگند می‌دهم! آیا از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نشنیدید که می‌فرمودند: رضایت فاطمه رضایت من، و ناراحتی فاطمه ناراحتی من است، و هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر کس فاطمه را خشنود کند مرا خشنود نموده، و هر کس فاطمه را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است؟

آن‌ها گفتند: آری، ما این را از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیده ایم، پس آن حضرت فرمودند: من خدا و ملائکه خدا را شاهد می‌گیرم که شما مرا خشمگین کردید و مرا خشنود نمودید، پس اگر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را ملاقات کنم، حتماً از شما پیش ایشان شکایت خواهم کرد.

ابوبکر گفت: ای فاطمه! پناه بر خدا از خشم رسول خدا و خشم تو، سپس ابوبکر به گونه ای گریست که نزدیک بود جانش از بدنش درآید. پس حضرت فاطمه سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فرمودند:

وَاللَّهِ! لَأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّيْهَا.

به خدا سوگند! در همه نمازهایم تو را نفرین می‌کنم. (1)

افسوس که حق مرتضی را بردند*** بر خانه فاطمه هجوم آوردند

از صورت و دست و بازو و سینه او*** هر جا که رسول بوسه زد، آزدند

ص: 131

آن حضرت با ایراد چندین خطبه غرّاء، که رسواکننده غاصبان و هشداردهنده مردم بود، برای اثبات حقایق، امامت و ولایت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بر همگان اتمام حجت نمودند.

مرحوم طبری آملی در کتاب دلائل الإمامة می نویسد: پس از اینکه حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا در مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خطبه غرّائی خواندند، در هنگام بازگشت از مسجد، شخصی به نام رافع بن رفاعه به دنبال ایشان آمد و عرضه داشت: ای بانوی بانوان! اگر ابو الحسن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ قبل از اینکه مردم با ابوبکر بیعت کنند، در رابطه با این مسئله با آنان سخن می گفت و به آن ها تذکر می داد، ما از او روی گردان نمی شدیم، و با شخص دیگری بیعت نمی کردیم!

حضرت با حالت غضب به او فرمودند:

إِلَيْكَ عَنِّي، فَمَا جَعَلَ اللهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ خُمٍّ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرٍ.

مرا به حال خود واگذار! خداوند بعد از واقعه غدیر خم برای هیچ کس عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است. (1)

در سینه ما محبت فاطمه است*** و ندردل ما ارادت فاطمه است

بی شبهه و شک حضور دارد مهدی*** در انجمنی که صحبت فاطمه است

ص: 132

2_ بیعت نکردن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با هیچ ظالمی

به حسب ظاهر، همه ائمه علیهم السلام حتی حضرت سیدالشهداء علیه السلام در زمان معاویه، عهد و پیمانی با طاغوت زمان خود بر عهده داشته اند. اما از آنجا که مأموریت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با دیگر ائمه علیهم السلام متفاوت می باشد، و آن حضرت باید در زمان ظهور، به امر خدای متعال قیام کنند و با همه متسکبران و زورگویان عالم مبارزه و مقابله نمایند، لذا برای ایشان این چنین مقدر شده که از سوی هیچ طاغوت قدرتمند و ظالمی، عهد و پیمانی بر گردنشان نباشد، و این یکی از حکمت ها و علت های غیبت آن حضرت می باشد.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده که پس از بیان طولانی شدن مدت غیبت و اشاره به شیعیانی که در آن زمان نسبت به دین و ایمانشان ثابت قدم خواهند بود، فرمودند:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَا دُتُّهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ.

همانا هنگامی که قائم ما ظهور کند، بیعت هیچ کس در گردن او نیست، پس به همین جهت ولادتش مخفی خواهد بود و خودش از نظرها پنهان خواهد شد. (1)

ای قرار قلبهای بی قرار اهل بیت***وی طلوع صبح، در شبهای تار اهل بیت

می دمد صبحی که باشد صبح آغاز ظهور***می رسد روزی به پایان انتظار اهل بیت

و باز ایشان در همان کتاب، به توقیعی اشاره می نماید که به خطّ مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای محمد بن عثمان عمری، و به درخواست اسحاق بن یعقوب، صادر گردیده، و آن حضرت در قسمتی از آن، در بیان حکمت و فلسفه غیبت، پس از ذکر آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ» (2)، می فرماید:

ص: 134

1- بحار الأنوار، ج 51، ص 109، ح 1؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص 303، ح 14.

2- سورة مائده، آیه 101.

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِمْ السَّلَامُ إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاعِيَةِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي.

برگردن همه پدرانم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بیعت سرکشان زمانه آنها بوده است، اما من هنگامی که خروج می نمایم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست. (1)

غم مخور گر شد زمین ماتم سرای انتظار*** می رسد روزی به پایان روزهای انتظار

یوسف زهرا تو شاهد باش عمر ما گذشت*** پیرگردیدیم در حال و هوای انتظار

دوری هر دو بزرگوار از مردم و ستمگران

1_ دوری حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا از مردم

پس از این که تلاشهای حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا برای هدایت مردم و برگرداندن حق حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بدون نتیجه ماند، و آن حضرت مورد

ص: 135

1- _ بحار الأنوار، ج 52، ص 92، ح 7 و ج 53، ص 181، ح 10 و ج 75، ص 380، ح 1؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 485، ح 4.

بی مهری و ستم ظالمان و غاصبان قرار گرفتند، از مردم فاصله گرفته، در خانه خود، مشغول عزاداری و گریه در فقدان پدر بزرگوارشان شدند.

با این حال باز هم مورد بی لطفی همسایه هایشان قرار گرفتند، که جمعی از آن ها به حضور امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده عرض کردند:

فاطمه شب و روز گریه می کند، و ما در خانه هایمان نه در هنگام شب آرامش داریم و نه در روز، پس به او بگو: یا شب گریه کند و یا روز.

پس هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام این موضوع را با آن حضرت در میان گذاشتند، ایشان فرمودند:

يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَا أَقَلَّ مَكْثِي بَيْنَهُمْ وَمَا أَقْرَبَ مَغِيبِي مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِهِمْ، فَوَاللَّهِ! لَا أَسْكُتُ لَيْلًا وَلَا نَهَارًا أَوْ الْحَقَّ بِأَيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .

فَقَالَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفْعَلِي، يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا بَدَا لَكَ.

ثُمَّ إِنَّهُ بَنَى لَهَا بَيْتًا فِي الْبَقِيعِ نَازِحًا عَنِ الْمَدِينَةِ، يُسَمَّى بَيْتَ الْأَحْزَانِ، وَكَانَتْ إِذَا أَصْبَحَتْ قَدَّمَتِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) أَمَامَهَا وَخَرَجَتْ إِلَى الْبَقِيعِ بَاكِئَةً، فَلَا تَزَالُ بَيْنَ الْقُبُورِ بَاكِئَةً، فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهَا وَسَاقَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَى مَنْزِلِهَا.

ای ابا الحسن! من زمان زیادی در میان این مردم نخواهم بود، و به زودی از بین آن ها می روم؛ پس به خدا قسم! شب و روز از گریه آرام نمی گیرم، تا این که به پدرم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ ملحق شوم.

پس حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به ایشان فرمودند: آنچه می خواهید انجام دهید، ای دختر رسول خدا!

سپس برای آن حضرت در بقیع، دور از مردم مدینه، جایی را درست کردند، که آن را بیت الاحزان (خانه غمها) می گفتند، و هر روز صبح تا به شام به همراه امام حسن و امام حسین (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) به سوی بقیع می رفتند و مدام بین قبرها گریه می کردند.

پس هنگامی که شب فرا می رسید، امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می آمدند و آنها را به خانه برمی گرداندند. (1)

ایدل شکسته شوهر خانه نشینم*** من اشک غربت تو را تا کی ببین

من در بیابان هم دگر جایی ندارم*** تا رو کنم سوی اُحد پایی ندارم

مرحوم خُزّاز رازی قدس سره در کتاب کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمّة الإثنی عشر، روایتی را از محمود بن لبید نقل نموده که گفت:

ص: 137

پس از شهادت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا کنار قبور شهدا در اُحد می آمدند و در جوار مرقد جناب حمزه علیه اسلام می نشستند و آنچنان گریه می کردند که هر کس می شنید، بند دلش پاره می شد. (1)

مرا به مردم شهر مدینه کاری نیست***دلم گرفته و این گریه اختیاری نیست

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل نموده که ایشان پس از بیان تفسیر آیاتی از قرآن کریم در فضیلت و شأن حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا، بگائین عالم را هشت نفر معرفی می کنند: آدم، نوح، یعقوب، یوسف، شعیب، داوود، فاطمه و زین العابدین عَلَيْهِمُ السَّلَام، سپس می فرماید:

أَمَّا فَاطِمَةٌ فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حَتَّى تَأْذَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ، فَقَالُوا لَهَا: قَدْ أَذَيْتِنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ، إِمَّا أَنْ تَبْكِي بِاللَّيْلِ وَإِمَّا أَنْ تَبْكِي بِالنَّهَارِ، فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي.

اما حضرت فاطمه سَلَامُ اللهُ عَلَيْهَا در فراق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن قدر گریه کرد که مردم مدینه از این گریه ها اظهار ناراحتی نمودند و به ایشان

ص: 138

1- بحار الأنوار، ج 36، ص 352، ح 224؛ كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 198.

گفتند: این گریه های شبانه روزی تو ما را آزار می دهد، پس یا شب گریه کن یا روز. پس آن حضرت از مدینه خارج می شدند و به سوی قبور شهدا (أحد) می رفتند و در آن جا گریه می کردند. (1)

غیر اشکم که زخون است تو را یاری نیست *** و مرا غیر غریبی تو بیماری نیست

همه از گریه من خسته و بیزار شدند *** چه کنم زین همه غم چاره بجز زاری نیست

البته هر چند حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا در اواخر عمر شریفشان از مردم فاصله گرفتند و گوشه عزلت برگزیدند، ولی با گریه های مداومشان که در حکم مبارزه منفی با دستگاه غاصب خلافت بود، انزجار و اعتراض خود را از غاصبان خلافت و نسبت به وضع موجود، اعلان می نمودند.

چون گریه های آن حضرت، نه اینکه فقط یک گریه عاطفی به خاطر از دست دادن پدر باشد، بلکه گریه بر غربت اسلام و قرآن، گریه بر غصب خلافت و گریه بر مظلومیت امام زمانشان یعنی حضرت امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و انحراف امت اسلامی از مسیر اصلی و صراط مستقیم بود، ولی متأسفانه این

ص: 139

امت، نسبت به این پیام آن حضرت، واکنش خوبی نشان ندادند و شد آنچه که نباید می شد.

2_ دوری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مردم و ستمگران

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز از همان ابتدای تولد، از مردم و به ویژه ستمگران، مخفی بودند. البته بعضی از خواص به صورت محدود می توانستند خدمت آن حضرت برسند، تا این که این محدودیت، در زمان غیبت صغری بیشتر شد، و در زمان غیبت کبری به اوج خود رسید، تا جایی که ایشان، به طور کلی از مردم فاصله گرفته و دوری نمودند و از نظرها غایب شدند.

مرحوم شیخ کلینی قدس سره در کتاب شریف کافی، روایتی را از محمد بن فرج نقل نموده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در نامه ای به او مرقوم فرمودند:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ، نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ.

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی بر خلقش خشم نماید، ما را از مجاورت آنان دور می سازد. (1)

از آن روزی که گردیدی بیابان گرد مهدی جان***دل ما را غم دوری به درد آورد مهدی جان

ص: 140

نه تنها دوری تو، طعن دشمن می کشد ما را***خدا را دوستی کن زین سفر برگرد مهدی جان

بیا و انتقام مادر آزرده ات بستان***بیاور از برای او دوی درد، مهدی جان

به دل امید آن دارم که روزی با دم تیغت***بگیری داد زهرا را از آن نامرد مهدی جان

و باز ایشان در همان کتاب شریف، روایتی را از جناب ابو بصیر نقل نموده که گفت: حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَلَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عُرْلَةٍ.

صاحب این امر از غیبتی ناگزیر است و در غیبت خود، ناچار است که از دیگران گوشه گیری و کناره جوئی نماید. (1)

مرحوم شیخ طوسی قدس سره در کتاب الغیبة، روایتی را از حبیب بن محمد بن یونس بن شاذان صنعانی نقل نموده که گفت: روزی بر علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی وارد شدم و از او در باره بازمانده حضرت امام حسن

ص: 141

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 157، ح 20؛ الکافی، ج 1، ص 340، ح 16.

عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ پرسیدم، و او در جواب من داستان تشرف خود را محضر مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در سرزمین طائف، آن هم پس از بیست سال سفر حج بیت الله الحرام، تعریف نمود، تا اینکه گفت:

به آن حضرت عرض کردم: آقای من! جای شما از ما دور و آمدنتان به طول انجامیده! پس حضرت فرمودند:

يَا ابْنَ الْمَازِيَارِ! أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ، عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُجَاوِرَ قَوْمًا، «غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ» (1)، وَ لَهُمُ الْخِزْيُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، وَ أَمَرَنِي أَنْ لَا أُسْكِنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا وَعْرَهَا وَ مِنَ الْبِلَادِ إِلَّا عَفْرَهَا.

ای پسر مهزیار! پدرم ابو محمد (امام حسن عسکری علیه اسلام) از من پیمان گرفته که در کنار مردمی نباشم، چون خداوند بر آنها غضب کرده و در دنیا و آخرت مورد نفرت و مستحق عذاب دردناک هستند، مرا فرمان داده که برای سکونت، کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینم. (2)

خوش آن صبح وصالی که هجران به سر آید***خوش آن جمعه که بر ما ز مهدی خبر آید

ص: 142

1- _ سورة فتح، آیه 6.

2- _ بحار الأنوار، ج 52، ص 12، ح 6؛ الغيبة (للطوسي) / كتاب الغيبة للحجة، ص 266.

بگویند و بگردید به دریا و به صحرا*** کجایی گل زهرا؟ کجایی گل زهرا؟

مرحوم شیخ طبرسی قدس سره در کتاب الإحتجاج، توقیعی را نقل نموده، که از ناحیه مقدسه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در اواخر ماه صفر 410 هجری، به دست مرحوم شیخ مفید قدس سره رسیده است، آن حضرت در قسمتی از آن می فرماید:

وَإِنْ كُنَّا نَزَائِنَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ، حَسَبَ الَّذِي أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِيُشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ، فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.

هر چند ما در جایی زندگی می کنیم که از محل سکونت ستمگران دور است، که در این دوری هم مصلحتی است که خداوند برای ما و شیعیان با ایمان ما، تا زمانی که حکومت دنیا در دست ستمگران باشد، این چنین مقدر فرموده است، ولی در عین حال ما از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی ماند. (1)

ص: 143

1- _ الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج 2، ص 497؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 175، ح 7.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب کمال الدین، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که در آن، به شباهت های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با بعضی از انبیاء علیهم السلام، اشاره می فرمایند، تا اینکه در باره شباهت آن حضرت، به حضرت عیسی علیه اسلام می فرمایند:

وَ أَمَّا سُنَّةُ عِيسَى فَالسِّيَاحَةُ.

و اما سنت او از عیسی علیه اسلام سیاحت کردن است. (یعنی: آن حضرت مکان خاصی برای سکونت ندارند) (1)

ای آفتاب زهرا عجل علی ظهورک***تنهای شهر و صحرا، عجل علی ظهورک

گم گشته وجودی، هم غیب و هم شهودی***در دیده و دل ما، عجل علی ظهورک

حیدر کند دعایت، زهرا زند صدایت***الغوث یابن زهرا! عجل علی ظهورک

ص: 144

1_ فریادرسی حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا

یکی از خصائص و ویژگی های حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا، دستگیری و فریادرسی کسانی است که در دنیا دست طلب و نیاز به دامن ایشان زده باشند.

مرحوم شیخ صدوق قدس سره در کتاب معانی الأخبار، روایتی را از انس بن مالک نقل نموده که گفت: روزی رسول خدا صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ پس از اقامه نماز صبح، چهره کریمانه خود به درگاه خداوند عزوجل را به سوی ما نموده و فرمودند: ای مردم! هر که خورشید را نیافت باید به ماه تمسک جوید، و هر که ماه را نیافت باید به زهره تمسک نماید، و هر که زهره را نیافت باید به فرقدان تمسک جوید. سپس رسول خدا صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

أَنَا الشَّمْسُ، وَ عَلِيٌّ الْقَمَرُ، وَ فَاطِمَةُ الزُّهْرَةُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الْفَرْقَدَانِ، وَ كِتَابُ اللّهِ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

من خورشید هستم، و علی علیه السَلَامُ ماه است، و فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا زهره است، و حسن و حسین (عَلَيْهِمَا السَلَامُ) فرقدان هستند، این ها با کتاب خدا از هم جدا نمی شوند، تا اینکه بر حوض کوثر بر من وارد گردند. (1)

ص: 145

1- _ بحار الأنوار، ج 16، ص 91، 23 و ج 24، ص 75، ح 10؛ معانی الأخبار، ص 114، ح 1.

دست من و عنایت و لطف و عطای فاطمه *** قلب من و محبت و مهر و ولای فاطمه

طبع من و قصیده مدح و ثنای فاطمه *** جرم من و شفاعت روز جزای فاطمه

به بذل دست فاطمه بخاک پای فاطمه *** منم گدای فاطمه منم گدای فاطمه

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار، روایتی را از جناب مفضل بن عمر نقل نموده که گفت: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه از خدای متعال حاجتی داشتی که به خاطر آن به سختی گرفتار شدی و به تنگ آمدی، دو رکعت نماز بخوان و پس از اینکه نمازت به پایان رسید، سه مرتبه تکبیر بگو، و بعد تسبیحات حضرت فاطمه سلام الله علیها را بگو، سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي فَاطِمَةُ اُغِيثِنِي.

سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي فَاطِمَةُ اُغِيثِنِي.

ص: 146

بعد دوباره به سجده برو همین ذکر را صد و ده مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي فَاطِمَةُ أَغِيثِي.

آنگاه حاجت را بگو که خداوند آن را برآورده خواهد ساخت. (ان شاء الله) (1)

البته مرحوم کفعمی قدس سره در کتاب بلد الأمين و الدرع الحصين، این نماز استغاثه را به گونه ای دیگر نقل نموده:

دو رکعت نماز بخوان و پس هنگامی که سلام نماز را دادی، خدای متعال را سه مرتبه تکبیر بگو، و بعد تسبیحات حضرت فاطمه سَلَامُ
اللّٰهِ عَلَيْهَا را بگو، سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أَغِيثِي.

سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أَغِيثِي.

بعد دوباره به سجده برو همین ذکر را صد مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أَغِيثِي.

پس از آن، طرف چپ صورتت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو:

ص: 147

يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أُغِيثِي.

بعد دوباره به سجده برو و همین ذکر را صد و ده مرتبه بگو:

يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ أُغِيثِي. (1)

مرحوم حسن بن فضل طبرسی قدس سره در کتاب مکارم الأخلاق، نماز استغاثه به حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا را این گونه بیان نموده:

دو رکعت نماز بخوان، سپس سر به سجده بگذار و صد مرتبه بگو: (يَا فَاطِمَةُ)، بعد طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو:

(يَا فَاطِمَةُ)، سپس طرف چپ صورتت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: (يَا فَاطِمَةُ)، بعد به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو: (يَا فَاطِمَةُ)، آن

گاه بگو:

يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

وَ أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَ لَا أُحْذِرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (2)

فرزندان بسطام در کتاب طبّ الائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، روایتی را از مفضل بن عمر نقل کرده اند که مردی از برادران ما (از شیعیان) محضر

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آمد و از

ص: 148

1- بحار الأنوار، ج 99، ص 254، ح 13؛ البلد الأمين و الدرع الحصين، ص 159، ح 15.

2- بحار الأنوار، ج 88، ص 356؛ مکارم الأخلاق، ص 330.

چشم زخمی که به خانواده اش رسیده، شکایت نمود که چشم، شکم، بدن، سر و شقیقه خانواده ام درد می کند و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! شب ها تا به صبح بیدار است و تمام شب را از درد فریاد می زند و ما از گریه و فریاد او خسته شده ایم، پس بر ما و او منت گذاشته، دعایی بیان فرماید.

پس امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه نماز واجب را خواندی، دستانت را به سوی آسمان بلند کن و با حالت تواضع و فروتنی بگو:

أَعُوذُ بِجَلَالِكَ وَقُدْرَتِكَ وَبِهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ مِمَّا أَجِدُ يَا عَوْثِي يَا اللَّهُ يَا عَوْثِي يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا عَوْثِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَوْثِي يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَعِثْنِي أَعِثْنِي.

سپس با دست راست بر سرت خود بکش بگو:

يَا مَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ سَكِّنْ مَا بِي بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَكِّنْ مَا بِي.

ای کسی که آسمان ها و زمین و آنچه در میان آنهاست، به تو آرام گرفتند، به قدرت و نیروی خود، درد مرا آرام کن و بر محمد و خاندانش درود فرست و درد مرا آرام کن. (1)

ص: 149

رشته چادرش اگر بدست انبیاء رسد *** شعارفخر انبیاء بعرش کبریا رسد

ازلب جانفزش اگر زمزمه دعا رسد *** جان ز نوای گرم او به جسم مصطفی رسد

کسی که قدر و هل اُتی گفته خدا بوصف او *** کجا قصیده های من بود رسا، به وصف او

یک نمونه از فریادرسی حضرت فاطمه سلام الله علیها

این داستان را مرحوم حجة الاسلام آقای عباس سیبویه یزدی این گونه نقل نموده است:

پسر عمویی به نام حاج شیخ علی یزدی داشتم که از روحانیون و علمای یزد بود، در یکی از سالها، او با چند نفر از دوستانش به منظور تشرّف به حج وارد کربلا شدند و به منزل ما آمدند و پس از چند روز توقّف و زیارت، به سوی مکه حرکت کردند.

پس از اینکه موسم حج به پایان رسید، من انتظار بازگشت او را داشتم، ولی هیچ خبری از او نشد؛ ابتدا گمان کردم که پس از انجام مناسک حج، به

ص: 150

یزد بازگشته، اما روزی در حرم امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ دوستان و همراهانش را دیدم و سراغ او را گرفتم، آن‌ها ابتدا از جواب روشن، خودداری نمودند، ولی وقتی اصرار مرا دیدند، گفتند:

واقعیت این است که آقای حاج شیخ علی، روزی برای انجام طواف مستحبی از خانه بیرون رفت و دیگر برگشت، و تلاش و جستجوی ما برای یافتن او، بی نتیجه بود. لذا پس از یأس و ناامیدی از زنده بودنش، اثاث و لوازم او را به خانواده اش در یزد بر می گردانیم، ما گمان می کنیم که برخی از افراطیون وهابی، او را کشته اند.

با شنیدن این خبر ناگوار، بسیار اندوهگین شدم و برایش متأسف شدم.

از این ماجرا یک سال و اندی گذشت، که ناگهان روزی صدای درب منزل را شنیدم، پس هنگامی که درب را گشودم با پسر عمویم آقای حاج شیخ علی روبرو شدم، شگفت زده و متحیر، او را در آغوش گرفتم و گفتم: پسر عموی عزیز! کجا بودی؟

گفت: اول دستور یک قلیان را برای رفع خستگی بدهید، تا جریان عجیب خویش را برای شما تعریف کنم، و آنگاه پس از رفع خستگی گفت: من اکنون از یزد می آیم و داستانم از این قرار است که:

ص: 151

روزی پس از پایان مراسم و مناسک حج، از منزل خارج شده و به سوی مسجدالحرام رفتم، پس از طواف و نماز و راز و نیاز با خدا، به سوی منزل باز می گشتم که در مسیر با مردی ریش تراشیده که سیب‌های وحشتناکی داشت، روبرو شدم، که گویا انتظار مرا می کشید.

پس تا مرا دید کمی به من نگاه کرد و بعد جلو آمد و گفت: تو شیخ علی یزدی نیستی؟

گفتم: بله، گفت: سلام علیکم! و دست در گردن من انداخت و مرا بوسید و به منزل خود دعوت نمود.

با اینکه او را نمی شناختم، به خاطر اصرار و اظهار مهر و ارادتش، به منزل او رفتم و هنگامی که از او می پرسیدم: من شما را کجا دیده ام؟

جواب می داد: عجب! مرا فراموش کردی؟ من از دوستان شما هستم.

سرانجام ظهر فرا رسید، خواستم خداحافظی کنم، ولی او نگذاشت و گفت: دوست عزیز! این شهر سراسر حرم است همین جا نماز بخوان، و نهار آورد و من هر چه اصرار کردم که بروم راضی نشد.

به هر صورت مرا تا شامگاه نگه داشت و به ظاهر بسیار اظهار محبت می کرد، تا اینکه پس از نماز مغرب و عشاء، دیدم چهره‌هایی گوناگون وارد منزل او می شوند، تا اینکه گروهی در آنجا جمع شدند و میزبان ضمن

خوش آمد گویی به آنان، سخنش را در باره شیعیان شروع کرد و گفت: اینها مردمی هستند که نه تنها به خلفاء هیچ ارادتی ندارند، بلکه به آن‌ها اهانت می‌کنند؛ و سپس از مراسم «عید الزهرا» در ربیع الاول که در میان گروهی معمول و مرسوم است، سخن گفت، و به من اشاره کرد و گفت: امشب یکی از آنها اینجاست، که از خلفاء اظهار نفرت و بیزاری می‌کند؛ و خلاصه همه را بر ضدّ اینجانب تحریک کرد و کار به جایی رسید که آن‌ها تصمیم به کشتن من گرفتند.

البته من سخنان او را انکار می‌کردم، ولی او که آتش تعصب و کینه اش فروزان شده بود، خطاب به من گفت: شیخ علی یزدی! گویی مدرسه مصلاّی یزد و اهانت‌های برخی از دوستانت به خلفاء، و خنده‌های خودت را، فراموش کرده‌ای؟

تا این جمله را گفت، یادم آمد که در زمان تحصیل، همسایه‌ای در کنار مدرسه و حجرة من بود به نام شیخ جابر کردستانی، که سنی مذهب بود، اما این راز را پنهان نگاه داشته و بروز نمی‌داد.

یک شب در ایّام نهم ربیع الاول، طلبه‌ها برای خشنودی حضرت زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا جشنی داشتند و همه جز او گرد آمده بودند، ولی بعضی رفتند و او را هم آوردند، و در آن جشن، برخی از دوستان به شوخی یا جدّی به خلیفه دوّم چیزهایی نسبت دادند که فقط برازنده او بود، اما شیخ جابر سکوت کرد و

چیزی نگفت، و اینک مرا به عنوان میهمان، آن هم در یک کشور غریب، به خانه خویش دعوت نموده و قصد دارد از من انتقام بگیرد.

خوب به چهره اش نگاه کردم و پرسیدم: دوست عزیز! شما شیخ جابر نیستی؟

گفت: چرا، گفتم: پس تو خودت خوب می دانی که من در آن جلسه سکوت کرده بودم و چیزی نمی گفتم.

گفت: آری، ولی چون تو از آنان هستی، ما از تو انتقام می گیریم.

گفتم: دوست عزیز! اینجا مکه است و به صراحت قرآن کریم که فرموده: «وَمَنْ دَخَلَ كَانَ آمِنًا»⁽¹⁾، آیا در اینجا امنیت و ایمنی نیست؟

گفت: چرا! اما جرم شما شیعیان آن قدر بزرگ است که از شما سلب امنیت می شود.

خلاصه اینکه سخنان من بی فایده بود و آنان در حال مشورت در باره چگونگی ریختن خون من، شده بودند.

هنگامی که دیدم هیچ راه نجاتی ندارم، گفتم: شیخ جابر! پس اجازه بده من دو رکعت نماز بخوانم، گفت: بخوان، گفتم: اینجا که در حضور شما،

ص: 154

حضور قلبی نمانده، گفت: برو هر کجای خانه که دوست داری بخوان، ولی بدان هیچ راه فراری نداری.

پس من به حیاط خانه رفتم و در آنجا دو رکعت نماز فریادرسی و استغاثه به حضرت فاطمه سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْهَا را خواندم و پس از توسّل به ایشان، با همه وجود و سوز و گدازم عرض کردم:

ای دختر پیامبر! راضی نشوید که یکی از محبّانتان غریب و تنها به دست دشمنان شما با وضع فجیعی کشته شود و خانواده اش در وطن چشم به راه او بمانند.

پس از این توسّل، روزنه امیدی در قلب گشوده شد و به دلم افتاد که به سرعت از پله ها خودم را به پشت بام برسانم و با توکل به خداوند، خودم را به کوچه بیاندازم.

با این فکر، به سرعت از پله ها بالا رفتم و خودم را به پشت بام رساندم، ولی هنگامی که به لب پشت بام نزدیک شدم، با تعجّب دیدم این از پشت بامهای مکه نیست، چون پشت بامهای مکه حدود یک متر دیوار و دورچین دارد، ولی این پشت بام دیوار ندارد.

ص: 155

شب بود و ماه می تابید، پس به این طرف آن طرف نگاهی کردم، ناگهان دیدم اصلاً در شهر مکه نیستم، خوب که دقت کردم، دیدم در یزد هستم و اینجا پشت بام خانه خودم هست.

به شدت تعجب کردم، خدایا! آیا خواب می بینم؟ مکه کجا و یزد کجا؟!!

پس شکر و سپاس خدای را به جا آوردم و بر پیامبر و خاندانش درود فرستادم و به گونه ای که زن و بچه ام وحشت نکنند آنان را صدا زدم، دیدم بیدار شدند و به هم می گفتند: انگار صدای بابا می آید!

همسرم گفت: نه! امکان ندارد، پدرتان مکه است، اینجا چه می کند؟ او ان شاء الله چند ماه دیگر خواهد آمد.

من با آرامش گفتم: نترسید، خودم هستم، درب پشت بام را باز کنید.

زن و بچه ام شاد و مسرور، اما غرق در بهت و حیرت، دویدند و درب را باز کردند، گفتم: خدا را هزاران مرتبه شکر بگویید که مرا به برکت توّسل به حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا از مرگ حتمی نجات داد و به یک چشم بر هم زدنی از مکه به یزد آورد؛ و آنگاه جریان را برای آنان تعریف نمودم.

این حکایت نتیجه توّسل یکی از محبّان و شیعیان حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا، و استغاثه به ایشان است، آن هم در سخت ترین لحظات زندگی، که به برکت آن بانوی بزرگوار، از مرگ حتمی نجات می یابد.

منم که مهر داغ او نقش گرفته بر دلم *** سرشته با ولایتش دست حق از ازل گلم
اوست که هست تا ابد گره گشای مشکلم *** ز شعله محبتش داده ضیاء به محفلم
درآیم از دری دگر، گر از دری براندم *** نمی روم ز کوی او، چه خواندم چه راندم

2_ فریادرسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اشاره

مرحوم حسن بن فضل طبرسی قدس سره در کتاب مکارم الأخلاق، روایتی را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که فرمودند: هر وقت راه را گم کردی، پس صدا بزنی:

يَا صَالِحُ! أَوْ يَا أَبَا صَالِحٍ! أَزْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ.

یا صالح! یا ابا صالح! راه را به من نشان بده، خدا تو را رحمت کند! (1)

ص: 157

1- _ بحار الأنوار، ج 73، ص 253، ح 48؛ مکارم الأخلاق، ص 259.

حیف از تو که گل باشی و من خار تو باشم***بگذار که از دور گرفتار تو باشم

من مایه ندارم که خریدار تو گردم***باشد که گدای سر بازار تو باشم

دستی، که به جز دامن لطف تو نگیرم***چشمی، که فقط طالب دیدار تو باشم

حکایت میر اسحاق استرآبادی

مرحوم علامه مجلسی قدس سره در کتاب شریف بحار الأنوار، حکایتی را از قول پدرشان (علامه محمد تقی مجلسی قدس سره) نقل نموده که گفت: مرد شریف و نیکوکاری در زمان ما بود که او را میر اسحاق استرآبادی می گفتند، او چهل مرتبه پیاده به حج بیت الله الحرام رفته بود و میان مردم مشهور بود که طی الارض دارد!

ایشان در یکی از سالها به اصفهان آمد، من هم نزد او رفتم و از وی در باره آنچه که بدان شهرت یافته، جو یا شدم.

او گفت: در یکی از سالها با کاروان حج به زیارت خانه خدا می رفتم، وقتی به محلی رسیدیم که تا مکه هفت منزل یا نه منزل راه بود، به دلیلی از کاروان بازماندم، چندان که کاروان از نظرم ناپدید شد و راه را گم کردم. پس در نتیجه سرگردان شدم و تشنگی بر من غلبه کرد، به طوری که از زندگی خود نا امید شده بودم.

پس در آن هنگام صدا زدم:

يَا صَالِحُ! أَوْ يَا أَبَا صَالِحٍ! اُرْسِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ.

ای صالح! یا ای ابا صالح! راه را به من نشان دهید، خدا شما را رحمت کند!

ناگاه شبی در آخر بیابان به نظرم رسید، چون با دقت نگاه کردم به اندک مدتی نزد من آمد، دیدم جوانی خوش سیما و پاکیزه لباس و گندم گون است، که به شکل مردمان شریف، بر شتری سوار و مشک آبی هم با خود دارد. من به ایشان سلام کردم و ایشان هم جواب مرا دادند و پرسیدند: تشنه هستی؟ عرض کردم: آری! ایشان هم مشک آب را به من دادند و من از آن آب نوشیدم.

آنگاه فرمودند: آیا می خواهی به کاروانت برسی؟ عرض کردم: آری، ایشان هم مرا پشت سر خود سوار نموده و به طرف مکه رهسپار شدیم.

ص: 159

من عادت داشتم هر روز حرز یمانی را می خواندم، پس شروع به خواندن آن نمودم، آن جوان در بعضی از قسمتهای آن می فرودند: این طور بخوان! و من هم می پذیرفتم و اصلاح می کردم.

پس چیزی نگذشت که به من فرمودند: اینجا را می شناسی؟ وقتی نگاه کردم دیدم در ابطح هستیم! فرمودند: پیاده شو، وقتی پیاده شدم آن جوان برگشت و از نظرم ناپدید شد.

در آن موقع متوجه گردیدم که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده اند، از گذشته پشیمان شدم و بر مفارقت و نشناختن ایشان تأسف خوردم.

بعد از هفت روز کاروان ما به مکه رسید، چون آنها از زنده بودن من مأیوس شده بودند، وقتی مرا در مکه دیدند؛ مشهور شدم که «طی الارض» دارم.

سپس علامه مجلسی قدس سره می فرماید: پدرم (رحمه الله علیه) فرمود: من هم حرز یمانی را نزد او خواندم و آن را تصحیح نمودم و برای قرائت آن از وی اجازه گرفتم، و الحمد لله. (1)

ص: 160

مرحوم قطب الدین راوندی قدس سره در کتاب الدعوات، حکایتی را از ابو الوفای شیرازی نقل نموده که گفت: من در زندان ابوعلی الیاس، با وضع سختی اسیر بودم و برایم معلوم شده بود که او قصد کشتن مرا دارد. پس شکایت را نزد خداوند تبارک و تعالی بردم و مولای خود، حضرت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام را شفیع قرار دادم. (شاید از این جهت به امام سجاد علیه السلام متوسل شده که ایشان هم مدتی در رنج و سختی، در حبس و غل و زنجیر بوده اند) پس به خواب رفتم، و در عالم رؤیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم، که برای من مطالبی را در باره فایده توسل به هر کدام از ائمه علیهم السلام را بیان داشتند، تا اینکه فرمودند:

وَأَمَّا الْحُجَّةُ، فَإِذَا بَلَغَ السَّيْفُ مِنْكَ الْمَذْبَحَ، وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ، فَاسْتَعِثْ بِهِ، فَهُوَ يُعِيْثُكَ، وَ هُوَ كَهْفٌ وَ غِيَاثٌ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِهِ.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ! أَنَا مُسْتَعِيْثٌ بِكَ.

فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ تَحْتَهُ فَرَسٌ وَ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ مِنْ حَدِيدٍ، فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! اكْفِنِي شَرَّ مَنْ يُؤْذِينِي، فَقَالَ: قَدْ كَفَيْتُكَ، فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَبِكَ وَ قَدْ اسْتَجَابَ دَعْوَتِي.

فَأَصْبَحْتُ فَأَسْتَدْعَانِي ابْنُ إِيَّاسَ وَ حَلَّ قَيْدِي وَ حَلَعَ عَلَيَّ، وَ قَالَ: بِمَنْ اسْتَعَثْتُ؟ فَقُلْتُ: اسْتَعَثْتُ بِمَنْ هُوَ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، حَتَّى سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و اما حجت، پس هرگاه شمشیر به محل ذبح رسید، و حضرت با دستشان به گلوی او اشاره فرمودند، پس به او استغاثه کن، به درستی که او در می یابد و برای کسی که استغاثه کند، فریادرس و پناه است.

ابوالوفاء گفت: پس من هم صدا زدم و گفتم: ای مولای من! ای صاحب الزمان! مرا دریابید که من به شما پناه آورده ام.

پس در این هنگام دیدم شخصی از آسمان فرود آمد که سوار بر اسب است و در دستش شمشیری آهنین گرفته، پس عرض کردم: ای مولای من! مرا کفایت کنید از شر آن که مرا اذیت نموده.

حضرت فرمودند: کفایت کردم و از خداوند عزوجل حاجتت را خواستم، و او اجابت نمود.

وقتی صبح فرا رسید، خبر دادند که الیاس تو را خواسته است، پس هنگامی که مرا نزد او بردند، با دستان خودش غل و زنجیر از من باز نمود و مرا آزاد کرد، سپس گفت: به چه کسی پناه بردی و

استغاثه نمودی؟ گفتم: به کسی پناه بردم که فریادرس در ماندگان است، و او از خداوند عزوجل خواسته که حاجت من برآورده شود، پس حمد و سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است. (1)

نجات هندوی غیر مسلمان از حکم اعدام

جناب آیت الله حاج سید علی حسینی میلانی در کتاب «جواهر الکلام فی معرفة الامامة و الامام» می فرمایند: مرحوم والد، آیت الله سید نورالدین حسینی میلانی (رحمه الله علیه)، از یکی از علمای شیعه در هندوستان به نام سید فرزند علی نقل می کند که روزی یک فرد بت پرست که شخصیتی داشت، به من گفت:

«مرا به قتل متهم کرده اند، تلاش های فراوان من نیز در روند پرونده مؤثر نشده و قرار است حکم اعدام روز دوشنبه اجرا شود. اکنون از همه جا ناامید گشته، نزد شما آمده ام. آیا شما می توانید به من کمک کنید؟»

سید می گوید: با خودم فکر کردم که هر چند او بت پرست است، اما همه خلاصی از نعمت وجود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برخوردارند. این شخص نیز از رعایای آن حضرت محسوب می شود، لذا به او گفتم:

ص: 163

1- بحار الأنوار، ج 91، ص 35؛ الدعوات (للراوندي)/ سلوة الحزین، ص 191، ح 530.

سحر جمعه لباس تمیزی بر تن کن و به قبرستان مسلمانان برو و صدا بزنی: «یا ابا صالح المهدی!»

چرا که به اعتقاد ما، چنانچه مردم در مشکلات به ایشان متوسل شوند، نتیجه می گیرند. تو نیز به آن حضرت متوسل شو؛ شاید نتیجه بگیری.

سپس سید از قول آن شخص می گوید: من این کار را انجام دادم، شخصی نزد من آمد و فرمود:

مشکل تو چیست؟ مشکلم را گفتم و عرض کردم: سید فرزند علی مرا راهنمایی کرد که به شما توسل جویم.

آن جناب پس از شنیدن مشکل من فرمودند: «مشکل تو حل شد؛ نگران نباش!»

عرض کردم: اگر با وجود غیر مسلمان بودن و عدم معرفت من نسبت به شما، مشکل مرا حل کردید، پس چرا گرفتاری های مسلمانان معتقد به خود را حل نمی کنید؟

ایشان فرمودند: اگر مسلمانان، با این حال که توداری و حاجت خود را خواستی، حاجت خویش را از ما بخواهند، مشکل آنان را نیز حل خواهیم کرد.

پس از این جریان آن شخص، در روز دوشنبه در دادگاه حاضر شد و قاضی حکم تبرئه وی را صادر نمود.

او گفت: من اصلاً علت تغییر حکم را نفهمیدم و در حالی که پول فراوان و وکلای بسیار در حل مشکل من کارساز نشد، توسّل به امام شما مشکل مرا حل نمود و قاضی به یکباره از حکمش برگشت و مرا تبرئه نمود! (1)

ای حبیب از تو تو را می طلبم ای حبیب*** نصرُ من الله وفتحٌ قریب

دست من و دامن احسان تو*** درد مرا نیست بجز تو طیب

جمله یاران همه در عیش نوش*** جز من افسرده که هستم غریب

سوزم و سازم به غمت روز و شب*** گرچه ز دیدار توام بی نصیب

برده ز دل هجر تو از من قرار*** رفته ز کف طاقت و صبر و شکیب

ورد زبانه همه جا ذکر توست*** گرچه شوم مورد طعن رقیب

بینم اگر غفلت و خواری زخلق*** سهل بود در رهت ای دل فریب

منتظر اندر طلبت جان دهم*** می نبود از من هجران عجیب (2)

ص: 165

1- جواهر الکلام فی معرفه الامامة و الامام، ج 1، ص 443.

2- دیوان حیران، سروده علامه میرجهانی (رحمه الله علیه).

1_ قرآن کریم.

2_ مفاتیح الجنان.

3_ الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسی) / 2 جلدی / طبرسی، احمد بن علی / تحقیق: خرسان، محمد باقر / نشر مرتضی / مشهد / سال چاپ: 1403 ق.

4_ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد / 2 جلدی / مفید، محمد بن محمد / تحقیق و تصحیح: مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ / عربی / ناشر: کنگره شیخ مفید / قم / سال چاپ: 1413 ق.

5_ إقبال الأعمال (ط- القديمة) / 2 جلدی / ابن طاووس، علی بن موسی / عربی / ناشر: دار الکتب الإسلامیه / تهران / سال چاپ: 1409 ق.

6_ الأمالي (للصدوق) / 1 جلدی / ابن بابویه، محمد بن علی / عربی / کتابچی / تهران / سال چاپ: 1376 ش.

7_ الأمالي (للطوسی) / 1 جلدی / طوسی، محمد بن الحسن / عربی / دار الثقافة / قم / سال چاپ: 1414 ق.

8_ الأُمالي (للمفيد) / 1 جلدی / مفید، محمد بن محمد / محقق و مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر / عربی / کنگره شیخ مفید / قم / سال چاپ: 1413 ق.

9_ الإمامة و التبصرة من الحيرة / 1 جلدی / ابن بابویه، علی بن حسین / محقق و مصحح: مدرسه امام مهدی علیه اسلام / عربی / مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / قم / سال چاپ: 1404 ق.

10_ بحار الأنوار / 110 جلدی / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی / إحياء التراث العربي / بيروت / سال چاپ: 1403 ق.

11_ بشارة المصطفى لشيعه المرتضى (ط_ القديمة) / 1 جلدی / طبری آملی، عماد الدين أبی جعفر محمد بن أبی القاسم / عربی / المكتبة الحيدرية / نجف / سال چاپ: 1383 ق.

12_ بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ / 1 جلدی / صفار، محمد بن حسن / تحقيق: كوچه باغی، محسن بن عباسعلی / عربی / مكتبة آية الله المرعشي النجفي / قم / سال چاپ: 1404 ق.

13_ البلد الأمين و الدرع الحصين / 1 جلدی / كفعمی، ابراهيم بن علی عاملی / عربی / مؤسسة الأعلمي للمطبوعات / بيروت / سال چاپ: 1418 ق.

13_ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة / 1 جلدی / استرآبادی، علی / مؤسسة النشر الإسلامي / قم / سال چاپ: 1409 ق.

14_ التفسير الإمام الحسن العسكري عليه اسلام / 1 جلدی / حسن بن علی؟ عهما؟، امام یازدهم / تحقيق: مدرسه امام مهدی علیه اسلام / عربی / مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / قم / سال چاپ: 1409 ق.

- 15_ تفسير فرات الكوفى / 1 جلدی / كوفى، فرات بن ابراهيم / مؤسسة الطبع و النشر فى وزارة الإرشاد الإسلامى / تهران / سال چاپ: 1410 ق.
- 16_ تفسير القمى / 2 جلدی / قمى، على بن ابراهيم / دار الكتاب / قم / سال چاپ: 1367 ش.
- 17_ تهذيب الأحكام / 10 جلدی / طوسى، محمد بن الحسن / تحقيق: خراسان، حسن الموسوى / دار الكتب الإسلاميه / تهران / 1407 ق.
- 18_ الخرائج و الجرائح / 3 جلدی / قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله / مؤسسهُ امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / قم / سال چاپ: 1409 ق.
- 19_ الدعوات (لراوندى) سلوة الحزين / 1 جلدی / قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله / عربى / انتشارات مدرسه امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / قم / سال چاپ: 1407 ق.
- 20_ دلائل الإمامة / 1 جلدی / طبرى آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم / بعثت / قم / سال چاپ: 1413 ق.
- 21_ ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ / 2 جلدی / الطبرى، محبّ الدين / عربى / مؤسسهُ دار الكتاب الإسلامى / قم / 1428 ق.
- 22_ شواهد التنزيل لقواعد التفضيل / 2 جلدی / حسانى، عبيد الله بن عبد الله / تحقيق: محمودى، محمدباقر / عربى / التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مجمع إحياء الثقافة الإسلاميه / تهران / 1411 ق.
- 23_ صحيفة الإمام الرضا عليه اسلام / 1 جلدی / على بن موسى، امام هشتم عليه اسلام / محقق و مصحح: نجف، محمد مهدي / عربى / كنگره جهانى امام رضا عليه اسلام / مشهد / سال چاپ: 1406 ق.

- 24_ طبّ الأئمة عَلَيْهِمُ السَّلَامُ / 1 جلدی / ابنا بسطام، عبد الله و حسين / محقق و مصحّح: خرسان، محمد مهدی / عربی / دار الشریف الرضی / قم / 1411 ق.
- 25_ علل الشرائع / 2 جلدی / ابن بابویه، محمّد بن علی / کتاب فروشی داوری / قم / سال چاپ: 1385 ش.
- 26_ عوالم العلوم و المعارف والأحوال / 2 جلدی / بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله / محقق، مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر / عربی / مؤسسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / قم / سال چاپ: 1382 ش.
- 27_ عيون أخبار الرضا عليه اسلام / 2 جلدی / ابن بابویه، محمّد بن علی / تحقيق: لاجوردی، مهدی / نشر جهان / تهران / 1378 ق.
- 28_ عيون المعجزات / 1 جلدی / ابن عبد الوهاب، حسين بن عبد الوهاب / عربی / مكتبة الداوری / ايران؛ قم / سال چاپ: بی تا.
- 29_ الغيبة (للطوسي)، كتاب الغيبة للحجة / 1 جلدی / طوسی، محمد بن الحسن / محقق، مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد / عربی / دار المعارف الإسلامية / قم / سال چاپ: 1411 ق.
- 30_ الغيبة (للعنماني) / 1 جلدی / ابن أبي زينب، محمد بن ابراهيم / تحقيق: غفاری، علی اکبر / عربی / نشر صدوق / تهران / سال چاپ: 1397 ق.
- 31_ فضائل أمير المؤمنين عليه اسلام / 1 جلدی / ابن عقده کوفی، احمد بن محمد / تحقيق: حرز الدين، عبد الرزاق محمد حسين / عربی / دليل ما / قم / سال چاپ: 1424 ق.
- 32_ الفضائل (لابن شاذان القمي) / 1 جلدی / ابن شاذان قمي، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل / رضی / قم / سال چاپ: 1363 ش.

33_ قرب الإسناد/ 1 جلدی/ حمیری، عبد الله بن جعفر/ تحقیق: مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ / عربی/ مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ / قم/ سال چاپ: 1413 ق.

34_ الكافي/ 8 جلدی/ كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق/ دار الكتب الإسلامية/ تهران/ سال چاپ: 1407 ق.

35_ كامل الزيارات/ 1 جلدی/ ابن قولويه، جعفر بن محمد/ محقق و مصحح: امینی، عبد الحسين/ عربی/ دار المرتضوية/ نجف اشرف/ سال چاپ: 1356 ش.

36_ كتاب سليم بن قيس الهلالي/ 2 جلدی/ هلالی، سليم بن قيس/ تحقیق: انصاری زنجانی خوئینی، محمد/ عربی/ الهادی/ قم/ سال چاپ: 1405 ق.

37_ كتاب المزار، مناسك المزار (للمفيد)/ 1 جلدی/ مفید، محمد بن محمد/ محقق، مصحح: ابطحي، محمد باقر/ عربی/ كنگره جهانی هزاره شیخ مفید(رحمه الله علیه)/ قم/ سال چاپ: 1413 ق.

38_ كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر/ 1 جلدی/ خزاز رازی، علی بن محمد/ تحقیق: حسینی كوهكمري، عبد اللطيف/ عربی/ بيدار/ قم/ سال چاپ: 1401 ق.

39_ كمال الدين و تمام النعمة/ 2 جلدی/ ابن بابويه، محمد بن علی/ تحقیق: غفاری، علی اكبر/ اسلامیه/ عربی/ تهران/ سال چاپ: 1395 ق.

40_ المزار الكبير (لابن المشهدي)/ 1 جلدی/ ابن مشهدی، محمد بن جعفر/ محقق، مصحح: قیومی اصفهانی، جواد/ عربی/ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم/ قم/ سال چاپ: 1419 ق.

- 41_ المزار (لشهيدي الاول) / 1 جلدی / شهيد اول، محمد بن مكي / محقق، مصحح: مدرسة امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ، موحد ابطحي اصفهاني، محمد باقر/ عربي / مدرسة امام مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) / قم/ سال چاپ: 1410 ق.
- 42_ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد / 1 جلدی / طوسی، محمد بن الحسن / عربي / ناشر: مؤسسة فقه الشيعة / بيروت / سال چاپ: 1411 ق.
- 43_ معاني الأخبار / 1 جلدی / ابن بابويه، محمد بن علي / محقق و مصحح: غفاري، علي اكبر / عربي / دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم / قم / سال چاپ: 1403 ق.
- 44_ مكارم الأخلاق / 1 جلدی / طبرسي، حسن بن فضل / عربي / شريف رضی / قم / سال چاپ: 1412 ق، 1370 ش.
- 45_ ترجمه مكيال المكارم / 2 جلدی / موسوی اصفهانی، سيد محمد تقی / مترجم: حائري قزوینی، سيد مهدي / دفتر تحقيقات و انتشارات بدر / تهران / سال چاپ: 1416 ق، 1374 ش.
- 46_ مناقب آل أبي طالب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (لابن شهر آشوب) / 4 جلدی / ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علي / عربي / علامه / قم / سال چاپ: 1379 ق.
- 47_ نجم الثاقب / 1 جلدی / طبرسي نوري، ميرزا حسين / فارسي / انتشارات مسجد مقدس جمکران / قم / سال چاپ: 1416 ق، 1375.

کلید واژه‌ی

آیات مهدوی

در قرآن کریم

کلید واژه آیات مهدوی در قرآن کریم
روشی جدید برای حفظ و آموزش
آیات مهدوی
شامل ۲۴۰ آیه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
در ۴۹۳ صفحه وزیری
سال چاپ: ۱۳۹۳ انتشارات: عطراعت

کلید واژه‌ی

آیات رجعت

در قرآن کریم

کلید واژه آیات رجعت در قرآن کریم
روشی جدید برای حفظ و آموزش
آیات رجعت
بررسی ۸۰ آیه درباره رجعت
در ۲۴۸ صفحه وزیری
سال چاپ: ۱۳۹۵ انتشارات: اعتقاد ما
برنده جایزه کتاب سال استان خراسان رضوی

کلید واژه‌ی

آیات علوی

در قرآن کریم


کلید واژه آیات علوی در قرآن کریم
روشی جدید برای حفظ و آموزش
آیات علوی
شامل ۴۴۰ آیه درباره حضرت علی علیه السلام
در ۲ جلد وزیری
سال چاپ: ۱۳۹۸ انتشارات: اعتقاد ما

کلید واژه‌ی

آیات فاطمی

در قرآن کریم

کلید واژه آیات فاطمی در قرآن کریم
روشی جدید برای حفظ و آموزش
آیات فاطمی
شامل ۱۳۵ آیه درباره حضرت فاطمه علیها السلام
در ۴۰۴ صفحه وزیری
سال چاپ: ۱۳۹۹ انتشارات: اعتقاد ما



چهل حدیث عید غدیر
در کلام معصومین علیهم السلام

در ۵۶ صفحه رقعی

سال چاپ: ۱۴۰۰

انتشارات: اعتقاد ما

در کلام معصومین علیهم السلام
همراه با دو بیت‌های غدیر



کلید واژه‌ی

آیات حسینی

در قرآن کریم

کلید واژه آیات حسینی در قرآن کریم
روشی جدید برای حفظ و آموزش
آیات حسینی
شامل ۲۱۰ آیه درباره امام حسین علیه السلام
در ۶۲۲ صفحه وزیری
سال چاپ: ۱۴۰۰ انتشارات: اعتقاد ما

لطفاً جهت سفارش، با شماره 0910 967 1518 تماس حاصل فرمایید.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

